

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

۱۵۵



۱۲۱۹۹

کتابخانه مجلس شورای

کتاب

مؤلف

مترجم

موضوع

شماره قفسه ۱۵۲۲۳



مهری ملی ایران

مشارفیت کتاب

۹۰۷۴۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

موضوع

شماره قفسه ۱۵۲۲۳



مهری ملی ایران

مشارفیت کتاب

۹۰۷۴۸

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵











فصل في اسم الله الرحمن الرحيم الصلوات

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ليكون آية  
والتي ذكر أولها الأبواب والصلوة على استوف  
من أو سلك العزيم الوهاب وإن له عندنا  
لكنة وحسن مآب وإله الطاهرين الأئمة  
الذين خلقوا لآئنا عيسى بن حبيب عذيق  
مكتوبين فيها يكفون كثير شراب وعندهم  
قاصرات الطرف أواب ولا عذاب لهم وعاصيتهم  
سورة العذاب لعنهم الله إلى يوم الحساب **باب** في  
خلاصة باب من زين الاخبار في فضيلة من صفة  
ويعجز ان يغيبك وذكرها كدر سلك نكلم كشيدها

صبر

فصل في صفة اسم الله الرحمن الرحيم  
مستحق لفضائل الصلوات  
مستحق لثوابها ويزاب وخاتمة **باب** في  
فضيلة وضوئ **باب** في در بیان فضیلت نماز  
**باب** در بیان فضیلت نماز جماعت است **باب** در  
در بیان نماز فضیلت اذان و اقامه است **باب** در  
بیان فضیلت نماز در مسجد هاست **باب** در  
بیان فضیلت نماز شب است **باب** در بیان  
نماز غفیله و جعفر طیار است **باب** در بیان  
تجلی ان صفات نماز است **باب** در بیان فضیلت  
کر حوائج است **باب** در بیان فضایل ذکرها  
صلوات و بعضی امور مناسبت **باب** در بیان  
فضیلت شب و روز جمیع است **باب** در بیان فضیلت  
و آداب وضو ساختن است از اهل بیت است

که هر که وضو بسیار در کراسم خفته بکند چید  
بال شود و هر که در کراسم خفته نکند حید او بال  
نشود مگر بخر آب بدو رسیده باشد و هو وضو  
وضوی دیگر کفاره گناهانست و از **باب** در  
مفولست که هر که وضو بسیار و آب وضو خشک  
سازد بجای او یک حسنه نوشته میشود و اگر خشک  
نسازد تا خود خشک شود برای او سی حسنه نوشته  
شود و از **باب** در **باب** در **باب** در  
برای زند برای وضو ساختن فروریزد گناهانی  
که از هر دو دست کس کرده باشد و چون روی  
خود را بشوید فروریزد گناهانی که چشم او کرده است  
و سینه کرده ان او گفته است و چون دوز راغ  
بشوید فروریزد گناهان دست راست و چپ او

و چون

و چون مسح سر و پای خود نمایند فروریزد گناهانی  
که بقصد خود بسوی آن رفته و چون بنماز رود و  
نماز تمام کند از گناهانی که پیرون آید مانند زندقه  
که از مادر مثوله شده باشد **باب** در **باب** در  
که هر که برای وضو دست برآورد و شیطان از او  
دور گردد و چون مضطر کند نوزانی شود دل  
و زبان او محکم و چون استنشاق کند این  
کرد اند خفته او را از آتش و بوی جهنم را نشود بوی  
آنکه با صد سال راه شنیده میشود و چون روی  
بشوید سفید گردد خفته روی او را در روزی که  
روها سیاه باشد و چون ده ساعت خود را بشوید  
حرام گردد بر او خفته علمای آتش را و چون سر خود را  
مسح نماید زایل سازد خفته از او دید یاران او چون



مسح پاهاى خود کند خنثى ثابت سازد پاهاى او را  
از پل صراط در روزى که پاها مىخیزد در آن وقت  
و در **حدیث** دیگر فرمود که هر که ثابت جماع کند  
با اهل خود هفتاد هزار فرشته با لهاى خود را در  
نیز او گذارند تا فارغ شود و چون غسل کند  
بنا کند خنثى بر اى و هر قطره که از غسل او میخیزد  
خانه در بهشت و خنثى ز ششماى او را نادیه  
مى نگارد و بروى او نمى آورد و در **حدیث** دیگر  
فرمود که هر قطره که از آب غسل یا وضو میخیزد خنثى  
ملک خلق میکند که ~~در سجده~~ و تسبیح و تهلیل و طلب  
استغفار کند بر او و تا در روز قیامت و در **حدیث**  
دیگر فرمود که هر که در وقت نماز نازک دارد و شرايط  
و ادب او را بجا آورد خنثى بر اى و ثواب يك حج يك

عمر

و يك عمر بنویسد و انا اهل علی بن هبشت باشد  
و در این باب بسیار بهشت اما آداب وضو  
از حضرت امام محمد باقر ص قسولست که آداب وضو  
حضرت رسول را بر این پنج بود که مسح آب میطلبد  
و دست راست خود را در باقی میگرد و کف اى  
بر مىگردد و میرنجت بر بروى مبارک خود را بجا  
بالاى خود صریح میراند دست مبارک را بر جبهه  
و تا آب به جاری میگردید و بعد از آن دست  
چپ را داخل مسح میگرد و کف اى بریده است  
و بر دست راست بر میرنجت و دست مبارک صریح  
تا آب در همه جای او جاری میگردید و بعد از آن دست  
راست کف اى و بر دست چپ خود ریخت و طرفی  
مسح کند و بعد از آن مسح میگرد و بیفتی فری که در دست

دست راست برداشت و دست چپ خود ریخت و اینها  
خواند **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَكَ**  
**يَجْعَلُهُ خَيْرًا** یعنی حمد و ستایش خدا را که گردانید  
آب را پاک و پاک کننده تا آن خود را از حدیث پاک  
سازند **بَعْدَ** از آن استنجاء نمودند یعنی در مقام  
تطهیر عودیش در آمدند و در آن حین مرتکب  
خواند این دعا شد **اللَّهُمَّ حَصِّنْ رَجُلِي**  
**وَ اسْتَعْزِزْ قِيَّ وَ حَرِّقْهُ عَلَى النَّارِ** یعنی حفاظت داند  
دار عورت مرا از ملامت بیدن تا محرم و تظرف نادان  
غیر بر آن و بیوشان عورت مرا از چشم مردم و حرام گردان  
بدن مرا از آتش دفع نماز تا تو بد مرا در یافت و بعد  
از آن مضمضه یعنی سرمه بریدست مبارک آب در دهان  
گرداند و این دعا خواند **اللَّهُمَّ لَقِّنْهُ خَيْرَ نِيَّةٍ أَلْفَاك**

خود داشت سر مبارک خود را مسح میگرد و همچنین  
پاهاى خود را بر اى بر مىمسح میگرد و آب ناز بر  
نمیداشت و بعد از آن فرمود که شستن رو با انگشت  
وسطی و انگشت کا نیست هر قدر که آن دو انگشت  
فرز برد و شقیقه داخل رو نیست و هر چه بر اى بروی  
دو نیمه است و در و افرا گرفته مانند دین محاسن  
و سیل و امثال آن لازم نیست آب در غفر نه آن  
و ساینده مکرر بیشتر که تنک باشد و از حضرت  
امام ناطق حنفی بن محمد صدوق ص قسولست که روزی  
حضرت امیر المؤمنین و امام المقتدر استدلاله الطالب  
علی بن ابیطالب بفرموده خود محمد حنفیه گفت که ای محمد  
مبارک برای من طریقی از آب تا وضو بسیار و خوب  
آب از برای او حاضر ساخت پس انجناب از آن

بدست



وَأَطْلُبُ لِي فِي يَدِكَ وَشُكْرَكَ بِعِزِّهِ بَارِئاً مِنْهُمْ  
من کرم و بزرگان من دره تحت مرا روزی که بموفق  
لقای تو در آیم تا باین تو سبب جویم بجاوب انچه از من  
پرسد و گویا گردان زبان مرا بدگر خود تا همیشه آن  
مشغول باشم بعد از آن استثناء کرد بدین سر  
آب در پیافه کرد و آیند عاخوانند **اللهم لا تحمهم**  
**عَلَى رَيْحِ الْخَبَرِ وَاجْعَلْ مِنْ كَيْسَمِ رَيْحِهَا وَرَوْحَهَا**  
**وَرَيْحَافَهَا وَطَبِيبَهَا** یعنی باری خدا یا حواء بر من مگرد  
نیم هشت را و بگردان مرا از حله کسانی که استثناء  
کنند اند و از بوی خوش آن دماغ را محطو میسازد  
بعد از آن روی مبارک بشنند و آیند عاخوانند  
**اللهم بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تَسْوَدْ**  
**وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ** باری خدا یا سفید

کردن

کردن مرا روزی که بنزدگان کنه کار تو از خجالت بپای  
کنه خود سیاه و میشوند و سیاه و مگردان روی  
مرا روزی که بنزدگان نیکو کردی مرا جزای حسن کردار  
سفید میباشند و بعد از آن دست راست را بشنند  
و آیند عاخوانند **اللهم اعطني كتابي يميني والحمد**  
**في الجنان يميني و حاسبيني حاسباً ليسا** یعنی باری  
خدا یا در روز عرصات که نامه اعمال کنه کاران را بدست  
چپ میدی نامه اعمال مرا بدست راست من عطا کن  
و از کنه ها من در گذر هفت غیر شش را  
با ساقی من از زانی کن و چون مرا در عرصات بعض  
حساب در آوردی حساب مرا با ساقی بگذران بعد از آن  
دست چپ را بشنند و آیند عاخوانند **اللهم**  
**لا تعطيني كتابي يميني ولا من قد آثر ظهري ولا لجانا**

یعنی باری خدا یا بر پا دار مرا از صراط و افدام مرا از لوزیدن  
و لغزیدن پا آن در روزی که قدمهای عامیان درین  
مرور بان بلغزش در می آید و هیچکس سعی را مصروف دار  
بر امری که منتهی حصول رضا نباشد از من بعد از آن  
و فرود نماند هیچ بنده از بنده کان خویش که مثالی از من  
ببازد و بگوید انچه من گفتم هر آینه بیا فرزند خویش  
هر قطره از قطرات آبی که در آن و صورت گرفته است  
ملکه که نقد پس و شیخ و تکبیر حبیب او کنند تا روز  
قیامت و ثواب اعمال ایشان را تا روز قیامت در نامه  
اعمال او ثبت گردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در  
جایی که آب بنا شد غسل و وضو و تیمم کنند باین وجه  
که دستها را بر خاک بزنند و مسح کنند دورا یکدیگر  
خود و انگشتان متصل بهم گردانند و بعد از آن کعب

**مَقُولَةً إِلَى عَفَى وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ مَقْتَلَاتِ**  
**النَّارِ** یعنی باری خدا یا نامه اعمال مرا در موقف عرصات  
بدست چپ من مده و مگردان از اطراف کردن  
من و پناه میرم بر حمت و مغفرت تو از جامها  
که خیاط فقر و عصب تو از قطع آتش فراهم  
آورده است و بحیث پوشش بنزدگان کنه کار  
مفروز شده بعد از آن مسح بر مبارک کردند و  
آیند عاخوانند **اللهم عطيني يومئذ كتابي يميني**  
یعنی باری خدا یا رحمت خود را شامل حال من ساز  
و از عورات نعمت خود مرا بفرم و مگردان بعد از آن باها را  
مسح کردند و آیند عاخواند بزرگان معجز بیان جاری ساخت  
**اللهم ثبت قدمي على الصراط يومئذ قال علي الصراط**  
**الأمير و جعل سبعين عاماً في بيتك يا ذا الجلال والإكرام**

یعنی



دست چپ را بر پشت دست راست باید مالید و همچنین  
دست راست را بر دست چپ باید مالید **باب اول**  
در بیان فضیلت نماز است چنانچه از اهل بیت منقولست  
که یکبار نماز است از بیست حج و حج فریضه هزار است  
از نماز که چهار روز سرخ باشد و هر صدف شود در  
راه خدا و در **حدیث** دیگر منقولست که هر چه چیز نبتد با  
تقرب بخدا نمیکرد اند مانند نماز و از **حضرت** رسول  
منقولست که چون نبتد رو بقبله کند از برای نماز یا  
خلاص و نیت کند و چون بگوید **الله اکبر** سیر و  
ایده از گناه مانند روزی که از مادر متولد شده باشد  
و چون بگوید **اقول بالله من الشیطان الرجیم** سیر و هر  
تا رموی که بر من اوست خونی ثواب عبادت یکساله  
در دیوان اعمال و بنویسد و چون قرائت کند چنانچه

در

بود که گناه نام کتابهای خدا خوانده باشد عمر بخا آورده  
باشد و چون رکوع کند و تسبیح گوید چنان باشد که  
نوزده روز سرخ صد فر داده باشد و چون رکوع  
کند و تسبیح گوید چنان باشد که نوزده چنان بود که  
تمام کتابهای خدا خوانده باشد و چون بگوید **سمع**  
**الله لیون حمده الحمد لله رب العالمین** خونی بطلو  
رحمت نبوی و تظفر کند و چون سجده کند و تسبیح گوید  
خونی ثواب دهد بعد از شستن و چنان باشد  
که سینه از آد کرده باشد و چون نشسته بخواند او را  
ثواب ساریون عطا فرماید و چون نشسته بخواند  
و **خیر** سلام دهد و فارغ شود بکشد خونی در  
هشتاد و نه بار از هر دو هشتاد و نه بار **خیر** و یکی  
فرمود که چون بر خیزد سینه از برای نماز فریضه و پیش

خونی بایستد بدل و کوش و اخلاص نیت چون از نماز  
فارغ شود سیر و آید از گناه چون روزی که از مادر  
متولد شده باشد و در **حدیث** دیگر فرمود که فاضله  
عملها بعد از ایمان نماز است و در **حدیث** دیگر فرمود که  
نماز معراج امت منست و در **حدیث** دیگر فرمود که چون  
بنده تکبیر نماز بگوید گناهان او جمع میشود بر پشت  
او و چون رکوع کند از او فرود آید چون برک از درخت  
و در **حدیث** دیگر فرمود که خونی از شتر هشت کرد و هر وقت  
نماز ندا میکند که ای رهبان بر خیزید و بجا آید نشسته  
و کشنده آتش دوزخ را و در **حدیث** دیگر فرمود که  
هر که چهل روز در مسجد نماز کند خونی بر آید و ثواب  
چهل پیغمبر بنویسد و ثواب چهل هزار فرشته نیز بنویسد  
و هر کاه که پیش از آن کرده باشد خونی بیامزد و در **حدیث**

که باشد

که داشته باشد بر آورده میشود و در **حدیث** دیگر فرمود که  
بچ نماز متلایح و حیایست که در هر خانه شمارد که هر روز پنج  
بار غسل کند که هیچ گریه و جگر بر من نشاناند یعنی  
بدرستی که پاک کرده اند او را گناه یعنی هیچ گناه بر من ادا  
و این در حال نیست که نماز بر قاعده شریعت گذاشته  
باشد یعنی رکوع و سجود و قرائت بخا آورده شود چنانچه  
طرفه نماز از شرع رسیده در هر ساله ادایا اصوله منکر  
شد پس هر که طالب طرفه شرع باشد در آن ساله  
رجوع نماید و در **حدیث** دیگر فرمود که نماز اول وقت  
کذا اوردن موجب خوشنودی پروردگار است و در آخر  
وقت باعث آمرزش گناهان میشود و در  
دیگر فرمود که هر که بگذارد نماز را چهل بار بعد از نماز  
هر عالم در شمن او باشند بر او ظفر نیاید و در **حدیث** دیگر



فرمود که نماز روز مؤمنست و غیر آن هر چه بکار است و نشانه  
ایمان نماز است و در حدیث دیگر فرمود که حق صنایع نمیکند  
مزد ثواب نماز گذارند کار و در حدیث دیگر فرمود که نماز  
روشن کننده دلست و بسیار کفر فتن بیده است با حضرت  
عزیزت نماید نماز با خضوع باشد چنانکه بگوید که در هیلوی او  
کفایت و در حدیث دیگر فرمود که در یل چاهیت در غیر  
دو رخ و در آنچه مار است که دو رخ با هر عقوبت در شبانه  
روزی چند بار بخوابد بنالند و زهار خواهد از کتله جان  
آن مار و آن جای که است که در نماز عاقل باشد و در حدیث  
دیگر فرمود که نزدیک نماز مرید ناوقت کرد ایند که چه  
میگوید و نیز اگر نماز محتاج است و سبب بر آید که دل  
در نماز از غلبه شتوانست در اندرون و این هم در  
حب دنیا است که هر چه خطا هست و بنیاد همه عیالها

و هر که دل او بدینا خور باشد از لذت مناجات محروم است  
و از حدیث امام محمد باقر صلی الله علیه و آله و سلم است  
و آن نماز و روزه و زکات و حج و ولایت ماست و ولایت  
ما افضل است زیرا که ولایت کلید فزاین است و در  
حدیث دیگر فرمود که نماز ستون دین است و دین بدو  
نماز دین نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی شبها  
بعبادت الهی باشد و روزها روزه باشد و جمیع اموال  
خود را در راه خدا صرف کند و نماز کند باشد همیشه  
کند و نماز امامت است و خود را خوار و از هیچ ثواب  
ندهد و از اهل ایمان نیست و اگر امامت ما را قبول داشت  
باشد و مدت عمر خود کاری چیزی نکرده باشد از فضل  
خود تمکنت که خوشش آید داخل بهشت کرد اند و اگر  
کسی هزار سال عمر کند و روزها روزه گیرد و شبها روزه



ایستاده و تا صبح عبادت و یکی از آنکه خود را نداند او را  
 نوابی نخواهند و از آن عبادت نوابی نخواهد داشت  
 و در **حدیث** دیگر فرمود که اول چیزی که حساب کرده  
 میشود در روز قیامت نماز است پس اگر نماز مقبول  
 درگاه الهی شد بانی اعمال مقبول میشود و اگر مردود  
 شد بانی اعمال مردود است و از **حدیث** امام محمد باقر  
 مرفوعست که چون بنده از شیعیان مابرجیزه و بنیان  
 خوف بعد دستیان فرشتگان را میفرستد که در عجب  
 او نماز کنند و از بانی و دعا کنند تا او از نماز فارغ  
 شود و از **حدیث** صادق صادر است مرفوعست که یک نماز بهتر است  
 از هزار حج که هرچی بهتر باشد از هزار دنیا و مایهها  
 دنیا که در راه خدا صرف شود و بسیار باشد که بنده  
 دورگشت نماز گذارد و بقیه روضای الهی و حق تعالی

آن دورگشت

آن دورگشت نماز او را داخل بهشت کرد اند و همچنین  
 دیناری که صدقش شود در محض رضای الهی و دوزخ  
 که از برای رضای او باشد پس بنیت را خالص کند  
 و نماز را با حضور قلب بجا آورد و از **حدیث** رسول  
 مرفوعست که چون ظهر میشود درهای آسمان گشوده  
 میشود پس جو شاحال بنده که در اینوقت عمل صالح  
 او را بالا برند و از **حدیث** امام محمد باقر مرفوعست  
 که چون نماز گذارند بنیان می بینند فرشتگان او را  
 احاطه میکنند از محل پاها و تا اطراف آسمان  
 و رحمت الهی بر او عارض میشود از اطراف آسمان  
 نازل می شود و فرشتگان میکنند که اگر نماز گذارنده  
 ده اند که یکی مناجات میکند هرگز فایز نمیشود  
 و در **حدیث** دیگر فرمود که چون بنده رکوع و سجود



نماز را طول میدهد شیطان فریاد میکند که وای  
 بر من ایشان اطاعت خدا کردند و من عصیان  
 او کردم و ایشان سجده کردند و ای کرم و در  
**حقیقت** دیگر فرمود که هر یک نماز را تمام بخوابد و در خواب  
 نماز او قبول میکند هر چند با بی نامان باشد و  
 هر که تمام نکرده خوابی هیچ عبادتی او را قبول نفرماید  
 و هر که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید  
 از اول تا آخر چون فاتحه شود هر کس که در آن شب باشد  
 محو شود زیرا که یکنواز با حضور قلب بجز است از آن  
 عبادت بکشد تا صبح و هر که ناله کند تمام میشود و بقیه  
 او را **حقیقت** رسول و مقول که یکنواز خود را ضایع  
 کرد اند خوابی او را محو شود که اند با قافا رون در همان  
 و خدا الزام است که او را داخل جنت کند و اند با قافا

پس

پس وای بر کس و بد حال کس که محافظت نکند نماز  
 خود را و مقول است که خوابی هفت فرشته خلق کرده  
 و هر یک را در میان آسمانی کرد اینده است که نکند از  
 علمهای زشت از او بالا رود و باقی این حدیث را  
 حواله نمودم بر سائر تفسیریه الم یسین و از **حقیقت** رسول  
 مقول است که چون روز قیامت شود جنت را در محراب  
 محشر خواهند آورد و هفتاد هزار ملائکه بهار او را  
 دارند و هفتاد هزار ملائکه هستند که هر یک چهار  
 کمره میکشند پس چنان محشر را بر هم زند که اگر او را  
 بگذرانند اهل محشر را میسوزاند پس من متوجه جنت  
 شوم جنتم کوید یا محمد یا ابو جبرائیل زیرا که خوابی او را  
 با بر من محو کرد اینده است پس در حال همکس نفس  
 نفس کوید یعنی در بنجرها که آتش آتش کوید و آتش جنت



محکمست که زیاده از زبانها چنان باشد پس هر که در وقت  
 نماز خود را داند که آن زبان این کرد و از اهل بیت  
 منقولست که هر که در وقت نماز حفظ نمسجد رود  
 حقش بدین اوست برایش حرام گرداند و هر که در تاسی  
 بمسجد رود حقش و مقدر نیست او را و شناسا که  
 فرماید این بعد از سب و جوب این پنج نماز عجب  
 خیار برای کس است **حضرت امام** بود چنانچه **مسئله** در اینست که اگر چه آدمی  
 از هفت برهه کرده اند تاسی فرستاده حال سیاه  
 در روی او نشسته هر سید و از سر تا پای او فرو گرفت  
 پس آنحضرت بسیار حزین و گریان شد از حسب آنحال  
 سیاه پس چهره بلبه نازل شد و آنحضرت را فرمود  
 پنج وقت نماز و چون پنج وقت نماز را گذارد آنحال  
 برطرف شد پس در آنحال چهره بلبه گفت ای آدم هر که

از زبان

از زبان آن نو در این پنج وقت نماز کند برود  
 آید از کتافها مانند رفتی که از مادر و نوله شده  
 و همچنانکه نماز این خالده بر هر آدمی و از حضرت  
 امیرالمومنین منقولست که حضرت رسول فرمود  
 قسم بعزت و جلال پروردگار که هر که نماز بخواند  
 خرساده است که هرگاه بر خیزد یک از مؤمنان عجب  
 نماز هر یک از میرزا و خدیو از اعصاب و کتافها  
 همچنانکه میرزا بر کتاف از درخت و از **حاله** در وقت  
 که روزی حضرت صادق گفت که ای خالده نماز را  
 نیکو بگذارد باین نوع که من میگذازم پس چنان  
 برخاستند و در عقبه کمره راست ایستادند  
 و هر دو دست را بر روی دهاها داشتند و انگشتان  
 بچشم ضم کردند و یا هیا را از هم دور گذاشتند

نماز از خورشید برات میگیرد برای نماز کنندگان و در آن  
 برات نورش است که من خدا را پائینده ای بیندگان  
 شما در بنده میدهند و شمار در حفظ و حراست خود  
 دارم و وانگذارم و کتاهان شمار بپارم و در هر  
 وقت نماز باین مصفون برات میگیرد و هر کس  
 پنج نماز را در وقت خود گذارد و محافظت شرط  
 در آنکان آن نماید آن نماز را روشن و نورانی  
 با آسمان بیند و آن نماز صاحب خود را دعا کند  
 و گوید همچنانکه مرا محافظت نمودی و منافع نکرده  
 خدا را محافظت کند و منافع نکند و اگر بیوفت  
 کند و محافظت او نکند سیاه و ظلمانی بر گردد و  
 صبا حبش گوید که من منافع کرده و خدا را منافع  
 کند و هر کس نماز را خفیف و حدود و آنکان او را

بجا

بجای آورد و از گوش و شفاعت اهل بیت **حضرت**  
 باشد و از **حضرت** رسول منقولست که هر که نماز را  
 بیانی کند از امت من باشد و از اهل بیت مراد  
 که هر که در اول وقت نماز را تاخیر کند کتافها بر او  
 و چون آخر وقت کند کتاف او عفو شود و هر که در  
 تاخیر کند موجب عقیب آبی گردد و وقت هر نماز  
 درهای آسمان گشوده میشود تا اعمال او بالا برود  
 و اول طلوع صبح و نیست که ملائکه شب با آسمان  
 و ملائکه روز زمین می آیند پس هر که نماز صبح را در  
 انوقت بگذارد هر دو ملائکه در و در حساب بر او  
 او کواحه دهند و آن نماز او در منزلت نماید  
 و هر که نماز صبح را تاخیر کند تا سحرها بر طرف شود  
 ملعونست و هر که نماز شام را تاخیر کند تا سحرها



سرانگشت پس از روی خنوع گفتند اللهم ارحمنا زان  
 حمد و سوره را قرائت نمودند و اندک درنگ  
 نمودند و دست برداشته دو برابر رو بردند و تکبیر  
 گفتند و رکوع کردند و پرکرد گفت دستها را از  
 زانو ها و انگشتان دستها را از هم کشاده داشتند  
 و زانو ها را بجانب عقب شکستند و پشت مبارك  
 خود را بجانب مستقیم و راست تکیه داشتند  
 که اگر قطره آب بر پشت افتد یا چیزی بخفت از هیچ  
 طرف حرکت نمیکرد و گردن را کشیدند و سحرینه  
 تسبیح بجا آوردند و بعد از آن راست ایستادند  
 و آرام گرفتند و تکبیر گفتند و سجده رفتند و دو  
 دست را بر آرد زانو ها را بر زمین آوردند و انگشتان را  
 بهم ضم کردند و جاری دهان گذاشتند و سحرینه

سجده

تسبیح گفتند و در حال سجده هیچیک از اعضا خود را  
 حبان نکردند که با اعضای دیگر گرهاده شود و هفت  
 عضو سجده کردند که هر دو گفت دستها و هر دو  
 انگشت زانو ها و هر دو انگشتان شصت یا حاو  
 خمیر و انق باشد و فرمودند که این هفت موضع  
 واجب است که اگر ترک شود نماز باطل است بجهت  
 از آن راست نشد بران چپ خود و تکبیر گفتند  
 و استعقار کردند و باز تکبیر گفتند و سجده نمود  
 گفتند و بآداب سجده اولی عمل نمودند و بعد از آن  
 نشسته و سلام بجا آوردند و فرمودند که ای حاد  
 چنین نماز بگذارد و فارغ دارد دل خود را از غیر نماز  
 و غرات رانند و شایب مکن و واضح ساز الفاظ را  
 و مقولست که حق تعالی را فرشته ایست که در هر وقت

نمایان شود اهل بیت از او بیزار شوند و هر که نماز  
 عشار تا خیر کند تا نصف شب ملائکه بر او فرزند  
 کنند و چون بیدار شود باید نماز را قضا کند و  
 آن روز را روزه گیرد و هر که در وقت شروع اذان و  
 اقامه بگوید دو صفت ملائکه در پشت سر او نماز  
 کنند و اگر اقامت تنها بگوید یک صفت در عقب  
 او نماز کنند که هر صفت از مشرق تا مغرب باشد  
 و هر که در پنج نماز سوره توحید بخواند فرشته ندا  
 کند و گوید ای بنده خدا تو از نماز کنندگان بیفتی  
 و هر که رکوع و اتمام کند از وحشت فراموش کرد و  
 اتمام رکوع آنست که دستها را بر زانو بگیرد و زانو ها  
 در عقب شکند و گردن بکشد و هر که در نماز دل  
 با خدا دارد گناهانش آمرزیده شود و بعد از هر

که خواند

که خواند حشمت درجه از طلا و درجه از نقره و درجه  
 از لؤلؤ و درجه از کوه و درجه از درج سینه و درجه  
 از مروارید و درجه از مرقه و درجه از نوز باو عطا  
 فرماید پس آن اوست که تکبیر نماز کلید جان است و  
 استخوانه اش دافع جود و وسوسه شیطان است و نور  
 سبله اش چراغ محفل قرب حضرت سبحان است و آیات  
 فاتحه و سوره اش هر یک سیف ایست و زکات از دل  
 بزدان و فقرات دعوات مائون اش هر کدام است  
 امید ایست بر دامن کرم الهی دراز و هر که بخش  
 ابراهیم سبکی و وضو ایست و بیکلای تسبیح  
 و قرائت از آشنه و هرزه کوی عشق از قلزم  
 تال و آنکندگی موجبیت برینم و توفیق الهی بر  
 خواسته و هر چند که بگویش از درگاه عبودیت



طافیست و هر چه سالی سجودش بر تبارک نفس او را  
سر بر سر هوا مطراقی و هر فیاضش تخلیست مشرب  
نواب کو تا کون و هر کلمه شورش کلیم بر باران کلمها  
شرف و سعادت از حد فروز و دودست کشاده  
در فویش طایر دعا را در طیاران اوج اجابت شهباز  
و شهادتین شهیدش را اصل ایمان دو شاخ و غفر  
شر و برکات تسلیماتش قامت اقامت بندگان  
خلعت کمال و دعوات قنیباتش عروس طاعت را  
زینت افزای حسن و جمال در فضیلت شرافت  
نماز همین لب که از اعجاز مؤمن گفته اند حیدر  
بآن بر سپهر شرف و رفیع الهی عروج و بروج سعادت  
مکالمه خداوند خود صعود مینمایند سبحان الله  
خیر عقل و عجز سفاقت و جبر جفاقت و جبر نادانیت

کرادی

کرادی اگر بخندت پادشاه یا حاکم دیار برسد  
و با و دو کلمه سخن بگوید سالها بآن میبازد و از  
مناقب شرف و اعتبار خود میبازد و شبانه روزی  
افلاک پنج بار از سعادت تکلیف بر ساحت احسان  
مینانند و بدگاه پادشاه پادشاهان یعنی با خداوند  
بی نیاز مشاهیر را از میکوبد و مطالب در جهان  
خود را از جیب حیا احدی بر ساطع احدی باز نمیکوبد  
گاه بچوگان رکوع کوی فرخندگی از میدان بندگی میراند  
و گاه بوسیله قیام و شعور در بارگاه فریب آله با خواص  
اندرگاه نشست و برخاست مینماید و از جیب سعادت  
که در دیرامین کشترا کثر اوقات نباهی و عافیت و در  
گذارش آن کران خیز و کاهل میباید و بعد از آنکه  
با گواه شامش در ادب او یاد او آن صید جزو صیقل باز







ملائکه است و باعث رفعت و رفاه مومنین و فقر و ختم  
شیاطین و خوشحالی مؤمنین است و کفایت کناهات  
و حصان <sup>نفس</sup> و سبب قبول شهادت و باعث  
آبادی مساجد است و زینت شهرت و رفعت  
یاخذات و باعث فقر کبریات و طلب بسیاری  
و فقرهای حیات است و مهرهای جور العیون است <sup>و</sup>  
و کاشتن درختان هبت است و باعث هیبت  
فانراست و قنار رحمت است از جانب خدا و خلا  
آن بپای چشمت و از <sup>در حدیث</sup> رسول موقوف است  
که رد کرده نمیشود دعا و نماز که در اول او سلمه  
باشد و بدینکه پیاپی است من در عرض محشر  
بسم الله الرحمن الرحیم گویند پس حسانت ایشان  
در ثواب اعمال کران گردد چون خلائق از سبب آن

پرسند

پرسند گویند که ابتدای کلام ایشان بسم الله بود و  
فرمود که اگر بسم الله هر یک پلیر ثوابی گذارند و کناهات  
خلائق را در پلیر دیگر گذارند بسم الله را بجا آید و از  
جمله فضیلت در زمان شوق است که بنده در آن بعضی  
مطالب دو جهان سرافراز میگرد و آب اشک که  
از کتف کاری در آن حال فرو ریزد باعث مغفرت میگردد  
چنانچه از <sup>در حدیث</sup> رسول موقوف است که هر که شوقش  
در دروینا در آن تراست و جانش در روز قیامت  
دوان تراست و در <sup>در حدیث</sup> دیگر فرمود که چو بنده  
نیاز به چیزی و تکبیر گوید سرود آید آن کناهاتش  
مانند روزی که از مادر موقوف شده باشد و چون  
استغاثه گوید بنویسد حرف بعد هر موقوف عباد  
یکساله و چون فرادش حمد نمایند چنان باشد که حج و عمره



بجا آورده باشد و چون رکوع کند چنان باشد که  
نوزن خود طلای احرر صد فر داده باشد و چون  
ذکر رکوع کند چنان باشد که هر کما بی که از آسمان  
نازل گشته فراوان نموده باشد و چون سجده  
گوید <sup>کنند</sup> نظر و محمل حق و رحمت بیسوی او و چون سجده  
نماید عطا کند او را خدا بعد شیطا طین و جتیا  
حسنات و چون ذکر سجده کند چنان باشد که صد  
هزار سینه از او کرده باشد و چون نشهد و سلام  
گوید و از نماز فارغ شود برای او درهای بهشت گشاده  
گردد که از هر در که خواهد داخل شود و در **حدیث**  
دیگر فرمود که بیست کسی از امت من که سبک و سبیل  
شمارد نماز خود را و بیست کسی از من که اشامه  
صفت کنند ما شد و وارد بر من نشود در کما حق

کوثر

کوثر و در **حدیث** دیگر فرمود که هر که سبک شمارد  
نماز را شیطان بر او دلیر میشود و او را در کما حق  
بنفشه می افکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که  
و پلید بن بر من مردم کسی است که از نماز خود در وقت  
دیس ای عزیز بدان که هر چیزی را رویست و روی دین  
نماز است پس باید که زشت نماند از احدی روی  
دیش را و هر که در وقت عز و عاقبت نماز نماز را  
بجا آورد صفاق است و از **حدیث** ابو عبد الله  
مقولست که فرمود در حال نماز رو بجنب دیوار  
مکند ایند و با نکشتان و لباس و ریش خود را زنی  
مکیند و آب دهان میداند و پس بیاقل و ای بر  
نویا این همه مغروری کردیم در فکر دنیا و عیال  
همهات فکر دنیا و پیوسته محبت آن و زینت



کجاود که خدا و روز و شب از تفسیر بندگی او  
لرزیده کجا بندگی حضرت او را دلی مییابد از  
حیات <sup>علا</sup> حبس و حواطون بند پسند خدای  
وار سترفته از درد این همیشه زار و جانی از خوف  
فرست پیوسته سوگوار سرعاز خیالات فاسد  
دزدیده بانی از راههای دور و دراز از املها  
بر دامن کشیده و فرغان خداوند خود را هیچ  
کوش داده و نفس شهوت را بکشش داده و دوش  
دینار اطلاق گفته و دنیا را از غیبت خارج ساخته  
و چشم را از نا محرم پوشیده و گوش را بمواعظ این  
جهان بصلاحت داده و فرشته اختیار کرده و ظاهر  
لباس را از آن برکنده و باطن خود را در دین  
داری ثابت گردانیده و چهره از زوایای عقیقه

گردانده

گردانده عبادت نماهای سرکاهی و روز و شب  
در کار سازی عقیقه شده و توشه از برای آخرت  
فرستاده شاید که در آن منزل رسیده و  
خود را بجهت فردوس رسانیده ای نکرز جانی  
بنده فکر بدی نرسوق عبادتی نرا از حق سنجی  
بقی لفت بندگان چه میدانی چیست کار هست  
عذای جان تو جلوه نه **واما** افعال ستم که مشوق  
مضروب نماز و سبب زید کمال و از وی حسن و  
جمال نظر که چه کردن هر یک از آنها واجب نیست  
و بزرگ آن نماز باطل نمیکرد و اما بنی با لکلیه عباد  
از دست گذاشتن و از عالم فضل و ثواب که در آنها  
مندرج است دل برداشتن عاقبت بی باکی و بی درستی  
و در گذارن بندگی هایت بی دوش و دل سر



که برای فائدهای سهل دینای خراب کر پی بفاو  
از نقش بر آبست و بی اصل از موج سر است  
سعیهای بلیغ میکند و خود را بنیجهای عظیم می افکند  
و رنج سفرهای پر خطر میکند و زهر تلخیها  
روز کار پر شور و شرم می کشد بر سر حوزده چید  
چون کل پریشان شود و بسبب پنج درهم  
چون غنچه درهم است و از برای خواطر دیناری  
خود را بر آینه وار در آتش می زند و پند است که  
حاصل این همه مطلب و راحت این همه رنج چیست  
و چه قدر خواهد داشت و اگر فضا هم و ذری  
داشته باشد غمقزمی باید مرد و محبت باید  
کذاست اد آب کشنه ناز که عبادت است از خضوع  
و خشوع و تذلل در هر وقت و مقامی و مقود و قیام

و تفکر

و تفکر و تأمل اول آنکه چون کسی عزیمت نکند با خود  
اندیشه نماید که شاید این نماز آخرین و عبادت و عبادت  
من باشد و اجل بی امان مهلت نماز دیگر ندهد پس  
از آنجوی گذار که گاه آنگی پسندیده باشد پس در  
هر قطره از امثال آن نهایت اهتمام و زود کرد از عهد  
کما یتبعی بر آید و در هر حال از احوال بی خود لورزد که  
مبادا تقصیری روی نماید و چون جوارح خود را در وضو  
شوید باطن را نیز از حد های خبیث و کجای فضل امان  
طهارت دهد و چون اذان و اقامت گوید از شنیدن  
مرغبات و داعی شهوات انکس انکار بکوشد و هوش  
هد و چون نیت بخیزد از جوش هوهای بچاصل  
فروشند و چون سجاده کشد بساط تعلقات باطل  
از عبادت خانه دل برچیند و چون بپای ایستد داند



که پیش که استیاده و چون رو بقبله کند اندیش نماید  
 که رو به برگاه چرباده شاه خانه و چون زبان بدعا کشاید  
 محمد و آل پاک او را وسیله قبول نماز و تقرب بدرگاه خداوند  
 بی نیاز سازد و چون خواهد که ثمره افدام بر خوریم  
 هبش رحمت سرشت نماز گذارد با والای پرده دل  
 بصاف گرمی یتیم خود را از شوب و دیا و عجب سوخت  
 پردازد و چون فاش و سوره خواند شهادت حیات دل  
 بخش فوٹ ایمان خزان معانی از اسیر انگشت و نامک  
 بکار جان رساند و چون نذر کوع دوما سازد بندگان  
 و بندگی معبود بیکتا کردن امید بفرزند و چون ذکر  
 رکوع کند دل را بعبادت خداوند خود شد ذکر و محمد و سید  
 او میل به سارند و چون سجده کند اصل خود را بخوابانند  
 رساند که خالک نبوده و چون سر بردارد یا کند که خال خور

و جودش

از خالک سر کشیده و زنی نموده و چون دیگر باره  
 دو خالک دهد و متفکر شود که باز خالک رجوع خواهد  
 نمود و چون سر برگیرد مستدکر کرد که باز سر از خالک  
 خواهد برآورد و چون دو کف بقبوط بردارد و تحفه  
 نیاز خود را بر کف اظهار رکذار و از روی امیدند  
 با روی گرمی و زاری دل خواه خود را از آن درگاه  
 جهان پناه محصول و طلب خویش از آن خزان بری  
 مستی بوصول رساند و چون بر نشیند نشیند  
 از شکر و شیر کلین شها دین زبانش کامیاب  
 و از ضلال صلوات محمد و آل او گلشن ایمان شتر ناک  
 و سیراب کرد دل را نیز بخداید عهد و میثاق  
 بندگی خداوند علی الاطلاق فرموده گواهی دل را  
 بر خدا بیعت حباب آبی و رسالت حضرت رسالت



بیایم در حقیقه اعتقاد ثبت کرد اند و چون وقت  
سلام آید حضرت خاتم النبیین و ائمه طاهرین  
و سایر انبیاء و اوصیاء و علمائیکه را در ذهن خود  
حاضر ساخته بدستوری که مقرر است سلام بایند  
و در جمیع این اعمال و احوال و احوال دلش در پیش  
خوف تقوی بریان و چشمش از بیم معاصی و خطایا  
گرمایان باشد زیرا که کرم در نماز باعث رستگاری  
حیثیت و خوشنودی پروردگار و **مقولث** که حضرت  
امیر المؤمنین <sup>را</sup> چون صورت نماز می نمود چه کلماتش  
از خوف آتی ذکر کون میشد و بر او این روز میشد  
و میفرمود که وقت گذاردن امانت امانت بماند  
که از آن بگویند عباد الله که قبول درگاه حق کردند و  
هر وقت که در روزی در محراب عبادت بایستادند

که

کج نهاد برین مبارک حضرت نشست و فرود رفت و  
محتاج بشکافتن آن عضو شریف بود و هر چند  
خواستند که بپروان پای بند طاعت بنیاورد پس  
کردند تا وقت نماز چون وقت نماز شد حضرت  
مشغول بنماز شد پس آن عضو را شکافتند و بیک  
کشیدند و آن حضرت را خبر دادند بگوید و بایستد  
این عبادت باز خوف داشت که عباد قبول درگاه  
حق نکرد پس وای بر ما با این عبادهای زشت ما  
**نماز** مقولث که چون آن حضرت در سجده میرفت  
پیش میگوید از بسیاری خوف خدا و از حال طبع  
پروان میرفت و نفسش تند میشد و اعصاب و جوارش  
میلرند و رنگش تغییر میکرد و عرق از او میچکید  
و مثل باده ذلیل می افتاد و روی ردا از دوش



مبارکش افتاد ازار است نکوه تا از نماز فارغ شد  
 پس ای برادر عزیز بنده کان مغرب آن درگاه و  
 دل بندگان از سوخته بندگی آگاه باین طریق بندگی  
 بجای آوردند و باین آداب بخدمت ولی نعمت خود  
 قیام می نمودند پس شرم باد بی خردان و ذر سعاد  
 بندگی مدانی که در چنین وقت که باید خود را از سلا  
 ولوزان در بندگی خدا باز دارند دلشان در  
 همواره باغ و بوستان و سرشان پیوسته در سوره  
 بازار و دکانست و هوششان در مقام سیم و در  
 و گوششان بفریاد کار و خرابی ملنگان مکیان  
 زخم و خواطرشان سرکار کار و دشمن و آتش  
 حریشان در خرمین عمر سوختن است و در پیش  
 املشان فراموشی طمع و حین است و نگاهشان

دایم

دایم در غایت

دایم در غایت و بیاد است و سرانگشتان همیشه در پیش  
 و بلبوی خادید است کاهی باریدن خود بازی میکند این  
 بندگان را اجرا باید از ایاز کشتن یا شند که روزی در پیش  
 سلطان محمود ایشان بود و کثرتی هفت بار بر پای آورده  
 در صلا و نگرانید با وجود آن همه هر و آله کرد داشت  
 تا آخر که طافش طاق کشت بیرون آمد و از انفاخت  
 و موده بر آن میزد و میگفت از ستمی تو در خدمت و  
 نعمت خود بی ادبی کردم و مقصرت کردم پس هرگاه خدمت  
 محارفی که از آت کندی پلیدی آفریده شده باشد  
 و اینقدر با صبر و ادب دارند عایش بی جراتی بی پروا  
 و خیرگی و کرمی است که در برابر چنین باد شاهی ادب  
 خود را نگاه دارند و با از حد بندگی بیرون گذارند  
 و هر عیوض براهی رود و نگاهش بجای رود و دست

و با پیش مردم حرکت بجا کند و چشم و آرویش هر لحظه  
 ایما و اشاره کند و اگر جمعی را ببندد نماز خود را بر پا  
 کنند پس وی را ایشان و با حال ایشان و از حضرت  
 رسول و مقولات که اجتناب کنند از نماز برپا آوردن  
 در روز قیامت خواند جاعل را امر میفرماید بجهنم  
 و خطاب می نماید بجهنم که مذمهای ایشان از مسوزان  
 که ایشان را با وجود مسجد میفرستند و دعای ایشان را  
 مسوزان که و من زانم و کامل عبادی آورده و دستهای  
 ایشان از مسوزان که بدعا بدگاه من بر میداشند  
 و زبان ایشان از مسوزان که در نماز میفرستند که ایشان را  
 پسند که انکروه اشتیاق کرده که باین اعمال مستحق  
 جهنم شده اند گویند اما نمازهای خود را بجا می آورند  
 در این روز با کشتند که در حق خود افتاد که بخوانید

کرمان

که نماز را برپا می آورند و در **حج** دیگر فرمود که  
 که هر که برپا نماز کند مشرکست و هر که برپا نکند دهد  
 یا روزه گیرد یا حج کند مشرکست و هر که اطاعت  
 خدا را بجا کند مشرکست و خواند قبول نمیکند  
 علی را بکنند را و عبادت خدا را نباید بعهده  
 نجات از جهنم کرد و نه بطمع بهشت و در **حج** دیگر  
 فرمود که هرگزین مردمان کسی است که علمش خالص  
 باشد و عاشق عبادت باشد و دست در گردن  
 او در آورده باشد و عبادت او را در بر گرفته باشد  
 و محبت بندگی در دل او کرده باشد و بیج بدن و  
 جوارح مبارک شده باشد و بی عبادت خود را  
 از جمیع کارهای دنیا فارغ ساخته باشد و با حضور  
 قلب باشد که در حق حضور قلب نافذ است و محبت



درگاه الهی میگرد و باعث کمال و قرب و می شود  
 بلکه مستحق عذاب میشود و در نماز با حضور باشد  
 و غیر ذات مقدس و صفت با مرد بگردد و در حال  
 نماز بازی نکند و از **حضرت** صادق و موقوف است که هر  
 دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید چون از  
 نماز فارغ شود هیچ کلمه بر او نباشد و از **حضرت** امام  
 محمد باقر و موقوف است که در سبک بالاصبر نماز  
 بعضی سیدگان نصف نماز و از بعضی ثلث و از بعضی  
 ربع و از بعضی خمس و بالا نمیبرد و بدو چه قبول  
 نمیرسد مگر آنچه را که با حضور قلب کرده باشد و از  
**حضرت** رسول و موقوف است که چون مؤمن بسید  
 نماز بر بخیزد خدای تعالی نظر بسوی او میکند و روی  
 لطف و احسان روی میدارد و از بالای سرش

تا آسمان

تا آسمان ملائکه سایر بر سر او می اندازند و در شکران  
 بر کرد او احاطه مینمایند تا آفاق آسمان و خوش  
 ملکه موکل میسازد که بر بالای سر او ایستاده و میگوید  
 که اگر بدانی که باکی مناجات میکند هرگز از جای نماز حرکت  
 نمیکند و از **حضرت** صادق و موقوف است که چون بنده نماز  
 و الثقات بجایب دیگر نماید یا برود یا بچشم یا بدست  
 میفرماید که سیده من بسوی کی الثقات مینماید که  
 از من هیز باشد از برای تو و چون سر دفتر ملتفت  
 شود خوش نظر لطف از او بردارد و هر کس نظر رحمت  
 بخاشد و نکند و موقوف است که چون حضرت رسول نماز  
 می ایستاد ملک مبارکش متغیر میشد از خوف **الله**  
 و از سینه انتخاب صدای مایند صدای دیگر که در  
 خوش باشد می آمد و موقوف است که چو وقت نماز

جوفی از هفتاد جزوات است و دیگر روزی در نماز  
 بود که حضرت امام محمد باقر در چاه افتاد و هر چند  
 قالها و فریاد بر آورد ملتفت او نشد تا از نماز فارغ  
 گردید چنانچه وضو او را **حضرت** امام علی (ع) و از اخبار **امام**  
 مرویست که از بسیاری عبادت پیشانی و زانوهای  
 و کفهای دست انتخاب پیغمبر کرده بود و قدم  
 مبارکش و در کرده یا بود و از **حضرت** امام محمد باقر  
 موقوف است که چون انتخاب شبانه روزی هزار رکعت  
 نماز میکرد و چون بنمازی ایستاد ملک برنگ میکرد  
 و اعضایی از خوف الهی لرزان بود و چنان نماز  
 میکرد که گویا نماز و داع است و دیگر نماز خواهد  
 کرد و موقوف است که بشیر یکی از فرزندان آنحضرت از  
 بلندای فناد و در شش شکست و از اهل خانه فریاد

داخل میشد حضرت امیر المؤمنین اندام مبارکش بلرزه  
 می آمد و رنگ برنگ میکردید و چون می رسیدند  
 که چه میشود شمار میفرمود رسید هنگام امانت  
 که خوشی بر آسمان و زمین عرض کرد و اها ابا کردید  
 و ادعی محل آن شد و حضرت سجاده چون بنا و مشغول  
 میشد چنان متوجه قرب درگاه الهی میشد که گویا  
 هرگز در دنیا نبوده چنانچه روزی در حال خضوع  
 نماز وضو داشت در خانه او افتاد و اهل خانه فریاد  
 النار النار بر آوردند و آن آتش با ساکن کردند  
 و چون آنحضرت از نماز فارغ شدند در آنحال مطلع  
 گردید که آتش در خانه افتاده است و چون از او پرسیدند  
 که شمار آنچه شده بود که هر چه ما فریاد النار النار میکردیم  
 شما ملتفت نگردیدید فرمود که آتش در نظر داشتیم که

جزوی



بلند شد و همسایگان جمع شدند و شکست خوردند  
 او رفت و دست اطفال را بستند و اطفال از درد  
 فریاد میکرد و آنحضرت اشغال در عبادت فریاد او را  
 نمی شنید و چون صبح شد و از عبادت فارغ گردید  
 تطهر بر اطفال افتاد دید که دستش در کمر یک  
 او خفته از کیفیت حال پرسید او را بواضع اطفال  
 خبر دادند و مقولست که در سالی هفت مرتبه بر او  
 از پیشانی آنحضرت می افتاد از بسیاری بخنده و از ابو  
 ایوب مقولست که چون حضرت امام محمد باقر <sup>ع</sup> مقولست  
 و حضرت صادق <sup>ع</sup> در نماز می ایستادند رنگ مبارکشان  
 گاه زرد و گاه سرخ میشد محبتی که گویا حد از حق می رسید  
 و با او گفتگو می نمایند پس بگوید مسلمانان چرا از  
 خوب غفلت بندهار نمیشوید و میگویند خدا نمی خواهد از او

گویا

گویا در روز جزا خبر ندادید و اگر خبر خدا شنیده باشید  
 گویا او را سهل میشاید پس بختی را در شوق بختی  
 و باید که اسب خود را پاکیزه کردانی و بر پشت الحلا  
 درائی و کتافهای ظاهر را از خود دور کند و درو  
 دستها و پاها را بکوفتی و صوب پاکیزه ساری تا آخر  
 کتاهات را پیامزد همچون مؤخر یا نوسوی بدانی که  
 در برابر کی ایستاده و با گر مناجات میکند چنانکه حضرت  
 رسولم مقولست که عبادت الهی هر وقت و شایسته  
 او است ما انکر او ندیم است و شریک از برای او نیست  
 و با همیش و با فی چون اوهایند و با او دید  
 او دیده اسماها و زمین است و فی خبر است و  
 قادر بر همه چیز و با انست چنانچه هفت آسمان آفرید  
 که گندگی هوا را پاک بیاورد سال را بهیست و با انست



پادشاه محمدرضا که چند هستند که اگر یکی از آنها بر  
 ساند کجایش او را ندارد از بزرگی حقیر و از بسیار  
 بالهای او و بعضی ملائکه هستند که اگر حق و انس  
 شود و خواهند که او را وصف نمایند عاجزید  
 و نمی توانند هزار یک وصف او را بگویند یا بنویسند  
 و ملکه هست که از ماد و کوش تا نیمی کوشش هفتصد  
 ساله راهست و بعضی افق آسمان را میسازد بیک بال  
 از بالهای خود و بعضی از ایشان آسمانها را میسازد  
 و بعضی بر روی هوا ایستاده اند و زمین تا زانوهای ایشان  
 و بعضی هستند که اگر کشیمای عالم را در آب دیده ایشان  
 جاری کنند سالهای بسیار جاری خواهد کرد و بعد  
 از آسمانها چند حجاب و قریب و حجاب او هفت  
 طبقه است و غلظت هر حجاب پانصد ساله راهست

و از

و از هر حجابی با حجاب دیگر پانصد ساله راهست و حجاب  
 دویتم هفتاد حجاب است و ما بین هر حجاب و غلظت  
 او پانصد ساله راهست و حجابیان و غیر ایشان هر  
 حجابی هفتاد هزار ملک که قوت هر ملک با قوت حق  
 و انس برابر است و حجابهای دیگر هست که کندگی  
 هر حجابی هفتاد هزار ساله راهست بعد از آن  
 سرادق فاطمه جلالت و آن هفتاد سرادق است  
 و در هر یک هفتاد هزار ملکست و ما بین هر سرادقی  
 پانصد ساله راهست و بعد از آن سرادق فاطمه  
 عزتست و بعد از آن سرادق فاطمه کبریاست و بعد  
 از آن سرادق فاطمه عظمتست و بعد از آن سرادق فاطمه  
 قدس است و بعد از آن سرادق فاطمه جبروت است و  
 بعد از آن سرادق فاطمه بیض است و بعد از آن سرادق



و خدا یکتا است و او هفتاد هزار در در و هود  
نادر و یک هفتاد هزار ساله راه است و از آن حجاب  
اعلی است و موقوف است که جبریل فرمود که هرگاه خوش  
امر فرماید میکشاید اگر زمین آید پای است و  
در آسمان هفتم میکشاید و پای چپ در زمین هفتم  
و فرمود که خدا را ملک چند هست که نصف بدک  
ایشان از برف است و نصف دیگر از آتش و ملک هفت  
که ما بین نوحی کوشش پانصد ساله راه است و پرواز  
مرغ و ملائکه اهل و شرب میکنند و جماع میکنند  
و به نسیم عرش نند کاف میکنند و خدا را ملک  
چند هست که نایب است در سجود اند و هیچ خلیفه  
از خلق جدا پیش از ملائکه نیست و در هر شب  
و هر روز هفتاد هزار ملک فرود می آیند و طواف

میکند

میکند و بعد از آن بر سر تربت سوله میروند و بر او  
سلام میکنند و بعد از آن بروضه مقدسه حضرت  
امیرالمومنین میروند و بر او سلام میکنند و  
بعد از آن بروضه منوره امام حسین میروند  
و در آنجا میمانند و چون سحر میشود با آسمان میروند  
و دیگر هرگز فرود نمی آیند و روز دیگر هفتاد  
هزار ملک دیگر می آیند و دیدن سوره علم میکنند تا  
روز قیامت و از حضرت صادق علیه السلام موقوف است که ملائکه  
بیشتر است از دوزخ های خالت و روی زمین و در آسمان  
بعد از جای پای خالی نیست و هرگز که خدا میکنند  
و در زمین هیچ درخت و کلوی نیست مگر آنکه نزد  
او ملک هست که موکل است بر او که احوال او را بخند  
عرض میکنند تا آنکه خدا از او ملک اعظم با احوال



ایشان و هر ملائکه ثقیل بخدا میجویند و بحسب نما  
 اهل بیت و استغفار میکنند برای دوستان و ناز  
 گذاردن کان شیعه ما و لعنت میکنند بر دشمنان  
 ما و از خدا میطلبند که عذاب خود را بر ایشان نفرستد  
 و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی زمین را از زیر پاهای  
 کرم ماهی را که زمین را بر دارد و چون زمین را بر  
 داشت ماهی خود گفت که من بقیه خود بودم و شما  
 پس حق تعالی ماهی دیگر را برانگیخت و در آن ماهی نوشت  
 و عمل بود صراحتا ماند پس هر روز آمد و هر وقت که  
 حق تعالی میخواهد که زمین را بلرزاند امر میکند آن  
 ماهی که چون را که خود را با آن ماهی بزرگ بنماید  
 پس آن ماهی از زیر سینه بلرزد و زمین بلرزد و در  
 آید و بر و این فرشته هوکست بر زمین و هر وقت که

خواجه

خواجه خواهد که زمین را بلرزاند امر میکند آن فرشته را  
 که فلان زمین را حرکت ده چون حرکت میدهد  
 زلزله میشود و این زلزله و خسوف و کسوف  
 و باد های سخت بسبب کتاهای بیدگان میشود در زمین  
 و باز دفع میکند آنها را و از حضرت امام عمو باقی منقول است  
 که فرمود در شام مدهید باده ها را و اگر از حجب  
 خداست و هر وقت که حق تعالی خواهد که باد شمال  
 بفرستد امر میکند بیک که اسم او شمال است که برود  
 در بام خانه کعبه و بال خود را بر زمین چون چپین میکند  
 باد شمال هم میرسد و همچنین با جنوب و صبا که آنها  
 هم اسم دو فرشته است که چون در بام کعبه بال بر هم  
 میزنند باد جنوب و صبا هم میرسد و در حدیث دیگر  
 از بیت الحرام می آید و بال بر هم میزنند و در حدیث دیگر







نماز جماعت برپا است با هزار نماز و اگر در مسجد باشد برپا  
 باشد هزار نماز با وحدت مامور و اگر مامور دو نفر باشد  
 یک نماز برپا است با دو ویست هزار نماز و اگر مامور شش نفر  
 باشد یک نماز برپا است با شش هزار نماز و اگر مامور چهار  
 نفر باشد یک نماز برپا است با هشت هزار نماز و اگر  
 مامور پنج نفر باشد برپا است با هزار شصت هزار  
 نماز و علی هذا القیاس و چون مامور شش نفر باشد  
 یک نماز برپا است با صد هزار نماز و اگر مامور هفت  
 نفر باشد یک نماز برپا است با شصت هزار و دویست هزار نماز  
 و علی هذا القیاس چون مامور از هفت بگذرد عدد آنرا  
 کسی نمیداند بجز از خداوند و اگر بندگان از عدد و حساب  
 آن عاجز اند و باید که مامور از مامور باشد هر چه هست  
 و آن **صفت** و سوره منقولات که یک رکعت نماز با جماعت **اللهم**

لهما

لهما است از چهل ساله عباد و هر که نماز جماعت گذارد  
 هر روز یک بار هفتاد هزار حسنه برایش نوشته شود  
 و هفتاد هزار سیئه از او محو شود و اگر در آن حال  
 بمیرد هفتاد هزار فرشته بر او موی کل گردانند خدا که  
 او را در قری عبادت کنند و برای او استغفار کنند  
 تا از قبر برود و آید پس بداند که هر چه در دنیا  
 اولست و نماز در صفت اول مثل جهاد است در راه  
 خدا و ثواب عدد مؤمنان برای او باشد و ثواب  
 مؤمنان ان شاء الله در باب خود بیان خواهد شد  
 پس بداند که هر که جماعتی از بندگان عاجز برای طلب  
 امورش معاصی در درگاه پادشاه دو جهان اجتماع  
 نمایند و چنانکه بشعر و زاری و استغفار و زبان بطلب  
 معفرت کشایند حاشا که جمیع حق را از ایشان  
 خود



در پنج دست بر سینه ایشان گذارد اما ناهای ما  
که سزاوار است که یکجا نهند چون در میان ناهای  
کامل بنکان و اعمال شایسته تو یکان بدیده صد  
رود امید هست که آن نیز در میان آنها مقبول  
گردد چنانکه اگر عیار و کد سبکه در میان زنیبا  
خروج میشود و شایسته چندان معنی و در آن  
نمیکنند چیزی عجیب که فقد که عیار و کد و این چون  
نفوذ علمای خالص درج شود و در بار از ریاست  
در شمار آنها خروج کرد و نیز چون آنها بار یک ضعیف  
از ثقل جریان بجای می رسد و حاصل چنان از  
آنها بعمل می آید و چون بهم می شوند بر خود کشت  
ناری بآن سیراب و محصور می گردد و سیمهای  
مانند در گذار برش اعمال ناقص است و چون پیوند

بکامل

بکامل من شود بر سر منزل خداوند مغال مقبول  
کرد و از **حقیقت** رسول منقولست که هر دو کلمه **نمان**  
جماعت گذارد و ظن خیر و نیکوی با و میرسد و از  
صادق منقولست که فضل و زیاده بی نمان جماعت  
بر نمان تنها بر نیست در هر است و مقبول نیست نمان  
کسی که حاضر شود جماعت در جای که نمان جماعت  
گذارد مگر کسی که بسیار یا بشمار گذارد باشند و  
از سید مختار منقولست که یک رکعت نمان جماعت  
برابر است با بیست و چهار رکعت و هر یک که خجسته  
ش و خوشتر است از عبادت خپل سال و تکبیر اول  
نمان با امام بهتر است از دنیا و آنچه در اوست پس  
ای عزیز که چو بنده صدای از آن شنیدی باید پیا  
اورد و در آن که خواند امر فرماید که **نفس** در عبادت شود



و چون مردمان بپند که از خانه های خود مشورت باز کار  
 بشمارند بپاد او زد و فتنی را که خلائی از قیود و مقررات  
 بویژه مشورت میرود و چون هر که حاضر کردند بخاطر  
 آورد روزی را که حاکم تو خداوند خود جمع کشته  
 شوند و چون امام را در پیش و امام و مراد در عقب  
 بپند بخاطر آورد روزی را که هر چو را با پیشوا  
 خود از منزلت ازل و هدای نبوی صراط حقانند و چه  
 برخواستن بمان ایستادند کشته کند از روزی  
 که خلائی رسید سال بریا ایستاده و منتظر بمان  
 باشند و چون مردم در سبزه را برداشته اذان گوید  
 و شروع در قرائت کنند مگر که هر دو روز را  
 که میدان در سبزه را برداشته که نامهای خود را ستانند  
 و اعمال بفرمانت سر امر بذاشت خود را عزت بخشد

مشان

مشان و آه حسرت کشان بر خوانند و چون مؤمنان  
 صف صف بر پا و خاموش بپند و امام را بفرمانت  
 بپند نامی نماید در روزی که دفع و فرشتگان  
 صف صف ایستاده و خاموشند مگر کسی که از جای  
 خدا مادون و قولش مغفرت باشد شفاعت کند  
 و چون بر کعب رود بخاطر کند را در روزی که خلائی  
 عزیز و ذلیل باشند تو خداوند جلیل و چون سجود  
 کند بپاد آورد روزی که در همان از هول و شدت  
 آن بسجده در افتند یا تا رکان سجود را بسجود  
 خوانند و چون بشنوند و سلام نشنیدند فکر  
 نماید روزی که طوایف ناس از غایت خوف و هراس  
 بزان در آیند پس ایضا فل هوشیار در عصر هر روز  
 کداز هوش بر جان محشر را سرهای غایت و وسیله

بمان جماعت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 جماعت را بشنود در مسجد و بی عدوان مسجد برود  
 و در منافقت مگر آنکه اراده بازگشت و انشراح  
 و در حدیث دیگر فرمود که نماز جماعت برپاست بایست  
 و پنج نماز تنها و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 نماز جماعت ملعونست و در او بر سر ملعونست و در پیش  
 ملعونست و در زبور ملعونست و در قرآن ملعونست  
 و بنیان جبرئیل ملعونست و بنیان میکائیل ملعونست  
 و بنیان اسرافیل ملعونست و بنیان عزرائیل ملعونست  
 و بنیان من ملعونست و در حدیث دیگر فرمود  
 که هر که نماز جماعت بیکدازد و بپشید تا آفتاب  
 برآید چنانست که حجی و عمره کرده باشد و هزار مرتبه  
 دیار تصدی کرده باشد و حوائج ده حاجت او

و انتظار نازد بیکدکشد ملائکه از برای او دعا کنند  
 که خداوند او را پیامرز و برادر حمکن و رحمت  
 بفرست و هر که پیش نمازی جماعت بیکد حق تعالی  
 ثواب انجماعت باو عطا کند بی آنکه از ثواب  
 ایشان چیزی کم شود و هر که بیای خود مسجد رود  
 و هر کای که بریدار در حق تعالی هفتاد هزار حسن برآید  
 او بنویسد و هفتاد هزار سیئه از او محو نماید و  
 هفتاد هزار ملک باو موکل گرداند که در هر عیادت  
 او کنند و در نهائی قبر مونس او باشند و از بیک  
 او استغفار کنند تا از قبرش بعوث شود و از حضرت  
 امیر المومنین صلی الله علیه و آله و سلم که باعث  
 دفع درج میشود کامل ساختن و تنوی و درجی  
 شرح و انتظار کشید نماز بعد از نماز فله برآید

بمان







که هیچ بخیر فقر شده گفتیم ای حبيب من چيست  
آن گفت پنج فرسخ را بجاعت گذاردن گفتیم امتنا  
چهار ثابست گفت هرگاه دو نفر باشند برای هر يك  
هزار كعنه صد بجاه نماز است و در ستر فقر برای هر يك  
در هر كعنه هفتصد نان و در چهار فقر هزار و  
دویست نان و در پنج فقر هزار چهار صد و نمانه  
فقر هفتصد و دو هزار هشتصد و چون از ده تجاوز  
نمود چون و است از قدر ثوابش عاجز ماند یا محمد  
تکبیر باللم گفتن بهتر است از هفتاد هزار حج و  
عمر و بیکر گفت بالام بهتر است از صد هزار دينار  
صد فدیك سجده بالام بهتر است از صد عقیق دین  
و هر که بپوشد بجاعت نه بپند عذاب و شدت قیامت  
یا محمد هر که دوست دارد جانش را حفظ و عیال را بکشد

دارند

دارند او را و منقولست که شیخ ناز جماعت روزی ناله  
کرد و بعضی آن بنده اذان کرد و از حضرت رسول  
پرسید که آیا اذان بجاعت کردیم فرمود نه یک نیکو  
از اذان نمود باز فرمود که در نیافتی اگر چه فقر کنی  
در زمین **الحمد لله** گوید که هر که ناز از او فوت شود بیک  
واحد روز را بونه داود و نان کند تا عصر و عصر در  
ذکر خدا باشد تا غروب آفتاب و از غروب آفتاب  
تا عشاء و تا شب را احیا کند شاید او را بجاعت را  
در یافتن باشد و از رسول منقولست که هر که بپوشد  
با معارف ناز جماعت نشود بوی بهشت را اگر چه  
پیش از عمل اهل زمین عملی باشد و دعا را و بپوشد  
قبول خواهد رسید و اخبار ائمه در فضیلت ناز  
جاعت از حد و احصا پر است مفصل آن بحواله

کریم بزینت الاخیار و در این مقام همین اکتفا شد  
**باب هشتم** در بیان اذان و اقامه است چنانچه از اهل  
منقولست که هر که ناز گذارد با اذان و اقامه ناز  
کنند در مقام او دو صف از فرشتگان و هر که ناز  
گذارد با اقامه تنها یک صف فرشته در عقب او نماز  
کند آنکه و طول او هر صف از مشرق تا مغرب باشد و  
ایستاده و دست که سر کنند که در روز قیامت بفرز  
آنها ای مشک خواهد بود بیکه مؤذن که اذان گوید  
و آنکه اذان و اقامه ناز گوید و آنکه در مسجد ها  
ناز کند و نیز رویت که هر که در میان اذان و اقامه  
بیشد چنانست که در راه خدا بخون خود غلطیده  
باشد و هر که اذان و اقامه گوید و ناز کند ملائکه  
هفت آسمان برای او استخار کنند تا از ناز فارغ شود

و الحمد لله

از **حدیث** رسول منقولست که هر که اذان گوید در  
شهری از شهرهای مسلمانان تا یک سال حاجت  
شود بهشت بر او و در **حدیث** دیگر فرمود که هر که  
هفت سال اذان گوید و منظورش رضای الهی باشد  
در روز قیامت هیچ کتابی بر او نباشد و در **حدیث** دیگر  
فرمود که هر که چهل سال اذان گوید و غرضش رضای الهی باشد  
برای نیکوترین خدا او را در روز قیامت و برای عمل چهل  
صدیق باشد که نیکو و مقبول بود و او را نوزده باشد  
لبسبکی آسمان و زمین و در ردیه ابراهیم خلیل  
باشد در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که هر که یکسال  
اذان گوید کناهان او آمرزیده شود اگر چه مثل کوه  
احد باشد و در **حدیث** دیگر فرمود که هر که یک اذان  
گوید برای رضای خدا و فقر تهیست نشود و پیاورد



خفته گناهان گذشته و آینده او را و نگاه دارد و او را از  
گناه ها و در بهشت با شهیدان مجتمع شود و در **حقیقت**  
دیگر فرمود که چون روز قیامت شود جمع سازد خویش  
مردمان را در یک سرزمین و حوضی از فرشتگان همراه  
مؤذنان باشد و با ایشان علیهای کوچک و بزرگ  
باشد از نوزده تا سیما سوار باشند که زمامهای آنها  
از نوحید سبز باشد و تنگهای آن از مشک از فر  
باشد و آن فرشتگان لجامهای آنها را کشند و ایشان  
بلندترین او را بخیزد اذان گویند و قسم عزت و جلال  
خدا که مؤذنان هر آینه میکنند بر خلق بآن مکهها  
پس ایشان محشور میشوند با من و در میان من باشند  
در بهشت و در اینجا خواهد بود آنچه هر چه چینی ندیده باشد  
و هر کوشه انبیشه باشد و بوی عطر و عذری و خوشبوی  
باشد

باشد و در **حقیقت** دیگر فرمود که هر که صدای مؤذنین  
لبشود و نماز کند حسنه در نماز اعمالش افزون شود  
شود و هر که ده سال اذان گوید می آمرزد خویش گناهان  
او را اگر هزار آسمانها پیاپی باشد از گناه او و ملائکه صفت  
او را میریزد تا عرش و چون روز حشر شود بر او کلام  
نماید و در **حقیقت** دیگر فرمود که هر که اذان گوید چنانچه  
که شمشیر کشیده در میان دو صف در راه خدا جهاد  
کند و در روز قیامت محشور شود با پیغمبران و صدقات  
و شهیدان و صالحان و در **حقیقت** دیگر فرمود که هر که  
با اذان و اقامه نماز کند بعد از هر فرشته که در قضاوت  
نماز میکند نماز او مضاعف خواهد شد چنانکه در  
فضیلت نماز جماعت سمع ذکر یافت و در **حقیقت** دیگر  
فرمود که اگر بنده عبادت کند مثل عبادت فرخ و او را

مثل کوه احد طلا بوده باشد و هر را در راه خدا  
داده باشد و هزاردیج کرده در میان صفا و مروه  
بظلم کشته شده باشد و علی را امام نداند و بی بهشت  
نخواهد شد با وجود آنکه با صد سال راه میرود و خدا  
بهشت نخواهد شد و در **حقیقت** دیگر فرمود که علی  
از من است و من از اویم و علی پیشوای هر مؤمن  
و علی است بعد از من و شیعه او را ستکار است  
در روز قیامت و من شهر علم و علیست یا علی  
و علی بیان میکند از برای من آنچه را من آورده ام  
از حبش ایشان و دوستی او ایام است و دشمنی او نفاق  
است و نظر کردن بر روی و عبادت و هر که او را  
او مشک دارد کافراست و عذر نیست کنند بهشت  
و عذر است پس او را در اذان فراموش نکنید

و از **حقیقت** صادق منقولست که هر که بنشیند میان  
اذان و اقامه نماز مغرب چنانست که شهید شده  
باشد و در خون خود غلطیده باشد و از **حقیقت**  
امام حسن عسکری منقولست که علامت مؤمن  
پنج چیز است در نماز نجاه و بیک رکعت و زیارت اربعین  
و انکسار دست راست کردن و پیشانی را بر خاک نهادن  
و در نماز لبیم الله را بلند گفتن زیرا که با **حقیقت**  
افزایش از سجدات چشم و هرگاه کسی در سجده  
بر او مسلط صدق شود و دیگرهای باطل علی ندانند  
آن نماز ضایع شود و از **حقیقت** رسول الله منقولست  
که هر که عذر از دوست دارد بدو بیش از یک مرتبه  
و هر که مرادوست خدا را خوشتر کرد اینده است و هر که  
خدا را خوشتر کرد اینده است جای او بهشت است



وهر که را دوست دارد از دنیا ببرد برود نا اورد از  
شراب سر بهر کوی آب دهد و میوه درخت طوبی  
بخورد و جای خود را در بهشت ببرد و هر که علی  
دوست دارد نماز و روزه و عبادت او قبول میشود  
و دعای او مستجاب میشود و هر که علی را دوست  
دارد فرشتگان از برای او استغفار کنند و هشت  
در بهشت را بچیند و یکشاید که از هودوی که خوا  
داخل شود بحساب و هر که علی را دوست دارد خوش  
نام اعمال او را بدست راست او دهد و هر که علی را  
دوست دارد خوش سکران مراد را بر او آسان گرداند  
و فرزند باقی گرداند از باغستانهای بهشت و هر که  
علی را دوست دارد بعد دهو که که در بدن او است  
خوش او را حوری کرامت فرماید و او را شفیع گرداند

در حق

در خوشنما دگر از اهل بیت خود بعد هر خوشی  
که در بدن او است او را در بهشت شهر کرامت  
فرماید و هر که علی را دوست دارد خوشی ملک موند  
نزد او فرزند چنانکه تره بچیان صغیر شود و فرخ  
کند از او و هر که علی را دوست دارد و فرزند یکساله را فرخ  
کرد اند و در روز قیامت روح او را سفید گرداند  
و حشر او با حشر سید الشهداء باشد و هر که علی را  
دوست دارد دوست میدارد خوش او را در روز قیامت  
در سایه عرش خود با صدیقان و شهیدان و  
صلحان و از قرع اکبر روز قیامت او را عین گرداند  
و هر که علی را دوست دارد خوش حکمت را در دل او  
در آید و بر زبان او جاری گرداند و در هر روز  
بر روی او یکشاید و هر که علی را دوست دارد و در هر  
نخواستند که اسیر الهیت در زمین و خوشی با او باشد

فرماید یا هلاکها یا حامیان عرش خود و هر که  
علی را دوست دارد میگوید ملک از زیر عرش او  
نذا میکند که ای بنده خدا علی از سر گیر که خدا  
کتابها را از آفرید و هر که علی را دوست دارد در هر  
محشر حاضر شود و روی او مثل ماه شب چهارده  
باشد و هر که علی را دوست دارد خوش نایب باشد  
در روز قیامت بر سر او گذارد و حله عزت و کرامت  
بر او بیو باشد و هر که علی را دوست دارد بر صراط  
بگذرد چون بر فوج جهنم و هر که علی را دوست دارد  
خوش بنویسد از برای او برات بزرگی از آتش جهنم  
و کند شدن از صراط و این از آتش جهنم و نام اعمال او را  
نکشاید و ثوابی عمل از جهت او نصیب نکند و او را  
گوید داخل بهشت شو بحساب و هر که علی را دوست دارد  
و بر دوشه غفرش میرد فرشتگان با او مصافح کنند

بغیران

و بغیران او را زیارت کنند و هر حاجتی که دارد خوشی  
یا آورد و هر که علی را دوست دارد ایمین باشد  
از حساب و میزان و صراط و هر که علی را دوست دارد  
ضامن اویم که داخل بهشت شود با بغیران و هر که علی را  
دشمن دارد در روز قیامت پشیمانی او نوشته شد  
که از رحمت الهی نا امید است و هر که بر دشمنی آلوده  
کافر مرده است و نوی بهشت را نشود و از **حضرت امین**  
المؤمنین منقولست که فرموده و نقل کرده که بر دشمنی من  
میرد البته او را خواهم دید در وقت مردن و هر که با  
دوستی من از دنیا برود در وقت مرگ مرا خواهد  
و از **حضرت صادق** منقولست که مرگ نسبت بنویسند  
مانند بوییدن بخت بر بویهای خوش است که بویید  
و بخواب رود و بغیران و المها از او نایل گردد و از کفار



مانند کونکله اضیئت و نفس زدک و دشوار داشت  
از آنکه پاره پاره کنند کوشش او را بمقتضای باور است  
باز آن کنند یا میل آسیا بگردن او کنند و اینها از  
عده های دین است و هر چه که بگویند میرسد او  
و آری ایشانست و هر سخن که بایشان میرسد کلمات آنها  
ایشانست تا آنکه پاک و پاکیزه باشند و مستحق ثواب  
ابدی شوند و چیزی از کلمات بر او نماند و هر سهیل  
و آسانی که بر کافر میرسد حبش است که کارهای خیر  
کرد و اند و خواجه و از ایشان در دنیا با ایشان میدهد  
تا چون بمیرد از جای ایشان خوبی نماند بغير از احسان  
پس خالك باد پس بر خردان و اینرا که سهیل ایشانست  
ذکر نمودن آن جایز در اذان و است یاد کردی که  
اشکار امامت و مصابیت آن خیار است و محاسن که

اورا

اورا میکند در اذان پس ای عزیز این چه سفاقت و  
حماقت و بی عقلیت که بجای شرف بنویسند و این  
هم فصل که در باب او حدیث کرده که حجی در اینجا ملکود  
کردید و مقصود از اشارت در رساله ارکان الایمان  
در باب عالم برین بیان خواهد شد که شما بی خودان  
ملکود ساختن ذکر او را در اذان سهل می انگارید  
و بعضی گفته اند از جایز نمیدانند و برخی ترك او را حوط  
میدانند پس هر که اندك شعری داشته باشد از این  
حدیث مذکور یقین حاصل میشود بخود که جایز است  
ذکر اشعار در اذان چه قدر فضیلت دارد چنانچه از  
اهل بیت منقولست که هر که اذان گوید و اشهد ان  
علیاً ولی الله بگوید خوشتر از اب چهل شهید چندی  
هزار صد نفی با و عطا فرماید و چهل هزار کلاه کاردار

۱۳

شفاعت او بیشتر بود و هفتاد هزار فرشته از برای او  
دعا کنند و استغفار نمایند و در روز قیامت در سایه  
عرش خدا باشد تا خلافت از حساب قانع شوند و  
چهل هزار فرشته ثواب از او بنویسد و مرودیت که  
هر که اذان را بلند و تابی گوید هفتاد و نوری که  
او را او برسد برای او در قیامت شهادت دهند  
و کلماتش را زنده شود و هر کس که بآن نماز گذارد  
در آفتاب با او شریک باشد و بعد هر کس که  
با و آن نماز کند برای او حسرت نیست شود و خوشتر  
بادی بخرد از آن موکل کرد آمده که از آن آسمان  
نبرد و چون ملائکه بشنوند گویند که این او آن  
امت محمد است که توحید خدا میکند پس برای او  
استغفار کنند تا آنکه از اذان قانع شود و در خانه

که او را

که او را با اذان بلند شود شیطان دور شود و  
بیماری و پریشانی زایل گردد از آنجا که در **حفظ**  
مسلم منقولست که هر که در بیابانی که تنها باشد  
و صویا نیم کند و اذان و اقامه بگوید و نماز گذارد  
خوشتر از آنکه از امر فرماید که در عقیه و صف بکشد  
صغیر که دو طرف آن صف را نتواند دید و در کوع  
کنند و فرشتگان با د کوع آن و سجود کنند با سجود آن  
و آمین گویند و در دعای آن و هر که اذان بگوید و با آن  
نماز گذارد و با آن نماز کند و دو ملکه که با او میباشند  
دیو که اذان و اقامه از ستمهای منت و اجادیش در  
باب ذاب فی حد و احصیاست و بعضی از علما اذان را  
در نماز صبح و شام واجب میدانند و اذان و اقامه  
در نمازهای سنت بدعت است و در **حدیث** دیگر

۱۴

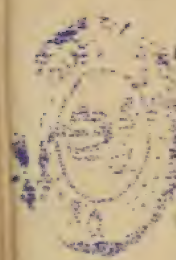




فرمود که چون مؤذن بگوید **اشهد ان لا اله الا الله** و از برای  
 او ده هزار ملک بر او صلوات فرستند و از برای  
 او استغفار نمایند و در روز قیامت در سایه  
 عرش الهی باشد تا خطبه از جیب او خارج شود  
 و چون **اشهد ان محمداً رسول الله** بگوید  
 چهل هزار ملک ثواب از او می‌دست و هر که بتو  
 جماعت حاضر شود بر صفت او و تکبیر او که امام  
 در باید حق تعالی ثواب مؤذنان و در دنیا باو  
 عطا فرماید و در **حدیث** دیگر فرمود که مؤذنان  
 امینان مسلمانانند بر تراز و دونه ایشان و بگو  
 و خون ایشان و هر چه از حق تعالی سؤا کنند عطا  
 فرماید و در هر روزی شفاعت ایشان قبول نماید  
 و در **حدیث** دیگر فرمود که هر که چهل سال از برای

خدا

خدا اذان گوید حق تعالی او را در روز قیامت با عمل چهل  
 صدیق محشور گرداند و بیست سال اذان گوید در  
 روز قیامت او را بهشت آسمان اول نوز کرامت فرماید  
 و هر که در سال اذان گوید حق تعالی او را در قیامت با عمل  
 خلیل ساکن گرداند و هر که یکسال اذان گوید حق تعالی  
 در روز قیامت کنایان او را پیامبر زد و در بقیة  
 عمر او از کنایه حفظ نماید و هر که برای یکتار اذان  
 گوید حق تعالی او را در بهشت در درجه شهید مرتجع  
 دهد و در **حدیث** دیگر فرمود که مؤذن در دنیا  
 اذان و اقامه حق تعالی ثواب شهیدی باو کرامت فرماید  
 که در خون خود دست و پا زده باشد و از **نصرت** امیر  
 المؤمنین منقولست که هر که اجابت مؤذن نکند  
 نماز چهل ساله اش صحیح نشود و در **حدیث** دیگر فرمود





که هر جوانی ثواب کند از برای خدا دنیا و آخرت  
و جوانی خود را به پیری رساند در طاعت الهی و حق  
ثواب هفتاد صدیق با و عطا فرماید و هر که خدا را  
نماید کند در میان غافلان مثل کسی باشد که جهاد  
کند در میان کفر بخیرگان و صدیق کسی را میگویند  
که صدیق بنیامین و منافق ایشان در احوال و  
افعال بیشتر از دیگران میکند و ثواب یک جوان  
صالح این امت برابر است با هفتاد و دو صدیق  
اما مثنای دیگر و **کسب** معشران حضرت صلی  
منقولست که سر کنند که حوائج ایشان را بحساب  
داخلیست میگرداند امام عادل و ناجی را سنگ  
و پیری که عمر خود را در طاعت الهی صرف نموده باشد  
و از **حضرت** رسول منقولست که هفت کسبند که در

سید

سایه عرش الهی خواهند بود در روزی که بغیر از آن  
سایه نیست امام عادل و جوانی که در طاعت و عبادت  
الهی نشو و نما کرده باشد و کسی که در لش مشغول  
بمسجد باشد و دو کس که با یکدیگر ملاقات کنند  
و مصافحه نمایند برای رضای الهی و کس که زن صاحب  
حسنه و اوجایب خود بخواند و او از بزرگ خدا ترکیب  
او بشود و کس که در حقان صدق بکند و در این  
باب اخبار و آثار بسیار است و در این مقام همین قدر  
صورت تحریر بر یافت **باب چهارم** در بیان فضیلت  
نماز در مسجد هاست چنانچه از حضرت امام حنفی منقولست  
منقولست که یک نماز در مکه برابر است با هزار نماز  
و یک نماز در مدینه برابر است با هزار نماز است و یک نماز در کوفه  
برابر هزار نماز است و یک نماز در مسجد پیغمبر برابر است

۱۲



با هزار ناز و نیکم از در مسجد الحرام بر او است با هزار ناز  
 و در حدیث دیگر گفته که هر که نیکم از فریضه در مسجد  
 گذارد خوشتر از او هو نماند که گذارد ما است از روز  
 که ناز بر او واجب شده است و هر نازی که گذارد نایم  
 و اما مسجد کوفه هزار سبغ و سی پنجاه در آن ناز کرده  
 و خانه حضرت ائمه و پنج وادیس در آنجا است و هر  
 ناز در آن گذارد در روز قیامت چون همان جامه  
 سفید پوشید بمشرف آید و شفاعت کند اهل  
 خود را و دیگران اما کثره عتد ستر تعیث المقدس است  
 که نیکم از آن بر او نماند و دیگر مسجد خیفه  
 که صد و هشت ناز در آن بر او هفتاد سال عبادت  
 و دیگر مسجد نبأ و مسجد قدیاس که فضیلت ناز  
 در آنجا بسیار است چنانچه در زیارت الامم آمده است

قبول کند

و از هر روز

و از حضرت صادق صوفی است که نیکم از در مسجد جامع  
 بر او است با صد ناز و نیکم از در مسجد حمله بر او است  
 یا مسجد و پنج ناز و نیکم از در مسجد با دار بر او است  
 با دوازده ناز و در حدیث دیگر فرمود که هر که  
 مسجد رود بر او ناز هفتاد که بگذارد و بگذارد  
 تسبیح میکند اتمین ناهفتم طبقه او بجای و از حضرت  
 و سوله صوفی است که چون کسی که داخل مسجد شود  
 و پای راست خود را مقدم دارد ملائکه گویند خدا  
 سپارد و ناز و چون بپزد آید و پای چپ را مقدم  
 دارد ملائکه گویند محفوظ دارد و ناز و حاجت های او  
 بر آورد و ناز در هشت سال که کرد اند و در حدیث دیگر  
 فرمود که هر که داخل مسجد شود و ناز کند خوشتر از آن  
 بیون ناید و بنویسد از برای او هفتاد و هشت ناز

ناز در آن بگذارد بر او است با عبادت هفتاد ساله  
 و هر که صد مرتبه سبحان الله در آن بگوید خوشتر  
 در نامه اعمال او بنویسد و ثواب یک بنده از او  
 کردن و هر که صد مرتبه لا اله الا الله بگوید بر او  
 بانده گردانیدن ادعی که او را از کشتن خلاص  
 کند یا از کفر بایان آورد و هر که صد مرتبه الحمد لله  
 بگوید در آن بر او است با نکه خراج بصره و کوفه را  
 در جهاد صرف کرده باشد یا در راه خدا تصدق  
 کرده باشد مردی است که چون روز قیامت میشود  
 مسجد کوفه در صحای چشم خواهد آمد و شفاعت  
 کند اهل خود را و کسانی که در آنجا ناز گذارده اند  
 و حق هم شفاعت او را قبول خواهد کرد زیرا که در  
 مسجد کوفه هزار سبغ و سی پنجاه در آن ناز کرده است

در ناز جامع بیان شد و نماند از در مقام و نماند  
 شود ثواب هر یک از ایشان زیادتی دارد بر  
 ثواب ناز مسجد الحرام و ثواب ناز جامع که از در  
 کس نجا و نکند احصا نمیتواند کرد و از حضرت امام  
 محمد باقر صوفی است که در مسجد الحرام و مسجد  
 رسوله و مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه بر او است  
 با یک حج و یک ناله اش بر او است با یک عمره و از  
 صادق صوفی است که نیکم از در مسجد کوفه بر او است  
 با پانصد ناز و بر او است بر او است با هزار ناز و هر  
 نازی که هزار است با هزار حج و بر او است هفتاد  
 از بیست هزار حج و از حضرت امام محمد باقر صوفی  
 فرمود که ناز کرده است در مسجد خیف هفتصد  
 و آن مسجد است که در هشتاد و هشت ناز کرده است

نمان



پس چو بپزد آید گاهها او را بپاورد و بلند کرد  
 برای او هر قدری در جبهه بنویسد برای او هر قدری  
 حسرت و از **حضرت** صادق علیه السلام منقولست که هر که در آن  
 سخن او باشد و مسجد خانه او خواند از برای او  
 در بهشت بنا کند و از اهل بیت منقولست که یکمیان  
 در هر که بر او است با صد هزار و یکصد هم صدق دارد  
 بر او است با صد هم در غیر آن و یکمیان که در شهر  
 مدینه یا در شهر مسجد حضرت رسول کرده شود بر او  
 پاد هزاران و در هر که در آنجا صدق شود بر او است  
 پاد هزار و در هر غیر آن و آنی که در مسجد کوفه  
 کرده شود بر او است با هزاران و بر او است بنا در  
 مسجد حضرت رسول بر او است با هزار هزاران که  
 فریبت نبرد دنیا و عمر دنیا هفت هزار سال است

و هر

و هر که شیان و روزی هزار رکعت بگذارد سالی  
 شصت شش هزار رکعت نماند میشود که یکصد  
 هشتاد هزار نماند باشد و هفت هزار سال آن  
 هزار هزار هزار و دویست و شصت هزار هزار است  
 و شصت پنج سال زیاده را که حساب میکند  
 هزار هزار هشتاد هزار میشود که مجموع عمر دنیا  
 هزار هزار هزار و دویست و شصت هزار هزار  
 هشتاد هزار میشود با آنکه هیچ احدی از افراد است  
 این همه عمر شده است و نخواهد شد و اگر یکمیان در  
 مسجد الحرام یا عالم کرده باشد هزار مثل این ثواب را  
 بر او خواهد بود که هزار هزار هزار هزار باشد  
 و اما در وصل این ثواب خواهد بود و اگر ماموم بود  
 یا پیشتر شوند ثواب هم مضاعف میشود چنانکه

و از **حضرت** امیر المؤمنین منقولست که هر که تعظیم  
 کند مسجد را و آب دهان در آن نیندازد و در آن  
 قیامت خندان باشد در وقت نثار او حساب کند  
 و حق ناصرا اعمال او را مریضاید که بدست راست  
 او دهند و هر که از برای تعظیم مسجد فرو برد آب  
 دهان خود را حقش هر قدر در دهن او اندازد کرد  
 و حسرت در تمامه اعمال او بنویسد و آب دهان  
 رویش بپاشد یا انداخت و هر آنست که از جانب  
 راست و چپ انداخته شود پس اگر کسی از روی  
 فراموشی بپاشد یا بدستغفار کند و آنست  
 رسول که بر او بود مسجد را در روز پنجشنبه یا شب  
 حج و بعد از روز عاشورا بر او برود حقش  
 گاهها او را بپاورد و بنویسد از برای او ثواب یک

پاد هزار

پاد از آن **حضرت** امیر المؤمنین منقولست که یکمیان  
 در مسجد قدس خلیل بر او است با هزاران و آن  
**حضرت** صادق علیه السلام منقولست که هر که مسجدی بنا کند  
 حقش خانه در بهشت برای او بنا کند هر چند آن مسجد  
 بعد از آن بنا کند یا آنکه سر بسنگ برود  
 هم گذارد یا دیواری بکشد یا بنهاری بپاشد که در آن  
 نماز کرده شود و از **حضرت** رسول منقولست که اگر  
 بر بپاشد که کسی در مسجد شتر بخواند بگوید که خدا  
 دهانت بشکند یا رستیکه مسجد جعفر است که خداوند  
 و نماز کردنت نرجای شتر خواند و در **حضرت** دیگر  
 فرمود که هر که روشن کند چراغی در مسجدی تا آن مسجد  
 تاروشنه آن چراغ در مسجد باقیست و ششکان یا حائل  
 عرش آنصب اولیک عفت میکند و حقش گاهها



اودای آمرزد و آن حضرت صادق صفت که شش چنان  
که فیض و ثواب آن بعد از وفات بمومن میرسد اول  
فرزندی که برای او طلب قریش نماید **دوم** مصححی که بعد  
از خود بماند **سیم** درختی که نشاند **چهارم** چاهی که کند  
**پنجم** صدقه که او جاری و مستمر سازد تا بعد از وی  
از آن منتفع گردند **ششم** سنت و طریقی که خیر و بر  
بعد از او بآن عمل نمایند و در صدقه جاریه داخل است  
و وقت نمودن انواع و عمارات و ساختن پل و دیوار  
و قنات و هر چه مسلمانان از آن منتفع گردند حتی  
نشان دادن درخت بر سر راه بعضی آنکه مترجمین  
در سایه او سائید و گفتن معنی بر جای برای آنکه  
چهار پایان خود را بآن بندند و آنچه از این قبیل باشد  
و مقولست که مردی که سفری میرفت معنی یا خود برداشت

که بود

که هر جای که فرود آید چهار پای خود را بندد و در یکی  
از میانان پنج روز بزمین بنزد کرد و چون از آنجا رفته شد  
آن همچنان بر جای گذاشت بعضی آنکه چون در یکی  
رسد و بر آب بکارد آید پس روزی پس در آن مقام  
شخصی بنشیند و بر پشت پادشاهی بر آن میخ آمده از او بپای  
کافی چند رفت پس بخاطرش رسید که مبادا دیگری  
بپوشانند پای بر این میخ آمده آنکه در دیوار کشت آن  
میخ را بکند پس خوش بپرستیزان خیر او که چو  
هر دو راحت خلق حبسند اگر چه برخلاف هم عمل نمایند  
هر دو از آب و هم پس خوشحال کسانی که علمای  
خیر میکنند و خوشحال صاحبان لواها و علمای  
که در روز قیامت اینها را برخواهند داشت و بر  
مردمان پیش خواهند گرفت بدو ستمگر ایشان را خواهند

۲۱

که سیفت میگیرند و در دنیا بر دشمن در مسجد ها  
در سحر ها و غیره سحرهایش بداند که خوشتر مساجد  
خانه خود قرار داده و محل فریب و رجعت خود مقور  
فرموده است چنانچه اگر کسی از محلو فی نفع احسان  
باشد بخانه او میرود پس در مساجد و جهت فیض  
سجده آن زیاد از جای دیگر میباشد پس در آنجا دعا  
کنند که الشیر مستجاب میشود و مردیست که حضرت  
رسول را از جبریل پرسید که کدام یک از فضیلهای وی  
ز من نزد خدا محبوب تر است فرمود **مسجد ها و محبوس**  
ببین اهل مسجد ها بخند اگر کسیست که پیش از دیگران  
داخل مسجد شود و بعد از دیگران بیرون آید پس خوشتر  
فرماید که خوشحال باشد که در خانه خود طهارت  
گیرد و در خانه اهل و عیال کند پس بر من لازم است که

کرامی

کرامی دارم زیارت کننده خود را و هر که در نادیکه شبها  
بسی خاتمه من آید در روز قیامت او توفیق ساطع  
کرامت فرمایم و او را از کناه پاک گردانم و از زیارت  
گفتگان خود ببولیم و او را بسیار در خانه من تان  
کنند و دعا کنند و در مسجد های مختلف تان کنند که  
هر بقعه در روز قیامت برای تان گدایانده گواهی میدهد  
و آن **حضرت** رسول مقبولت که چون خوش جا بگذارد  
می بیند که کتاها بسیار میکنند و بنظر مؤمنان در  
میان ایشان هست ایشان را ندان میکنند که ای گروهی که  
محضیت من بسیار میکنند اگر نه در میان شما هیچ  
ان مؤمنان نبودند که ما را با بعضی بنیدادند و در  
مسجد تان نمیکردند و در سحر ها استغفار نمیکردند  
از شما من هر آینه عذاب خود بسوی شما صیرر نشادم



و بر او نمیکرد و از **حضرت** صادره منقولست که  
 سرچین در روز قیامت شکایت خواهد کرد مسجد  
 که در آن نماز نگذاشته و عالمی که در میان جاهلان  
 باشد و حرم را اندازد و مسجد را بر روی او  
 نشیند و ناله و آه نکند و از **حضرت** امیرالمومنین  
 منقولست که هرگاه صاحب نمازش مقبول نیست  
 نماز مسجد حاضر نشود مگر سطر از برای او باشد  
 و هر که در مسجد رود سرچین آن را با او مهیاست  
**اول** آنکه دعا کند و خوش بگوید او را داخل هست  
 که مانند یار عالی بگوید که بیای آن بلاها از او دفع  
 شود یا باری آن برای خدا بگیرد و هر که برود بسوی  
 مسجدی از مسجد ها پس پای خود را بر خشت  
 که بکشد اید برای او شمع گویند تا زمین هفتم را حفظ

صادر

صدای منقولست که فرموده من و شید مسجد های  
 خود را و جناب نمایند از داخل شدن دیوانگان  
 و چند سال آن و فرمایند و خود برای که شده و  
 احکام برای جاری شدن کردن و حد زدن و صدا  
 بلند کردن و از **حضرت** رسول منقولست که هر که  
 بسوی مسجد رود جای نماز جاعت هر قدری که بیدار  
 هفتاد هزار حسنه و صد هزار در جبر از برای او  
 نوشته شود و اگر باین مقدار نرسد نماید تا میرد خوش  
 هفتاد هزار کلاه ملک را موقوف گرداند که در نماز او را  
 عیادت کنند و در تنهایی خیر و شرف و باشد و آن  
 برای او استغفار کنند تا مسجد شود **در این**  
 در بیان فضیلت نماز است که سه بار سعادتمند  
 چنانچه از **حضرت** امام محمد باقر منقولست که نماز بیدار

گاه باشد که نصف آن بجهت قبول رسد و گاه باشد  
 که سربلک یا چهار بلک یا پنج بلک آن قبول شود پس  
 نماز نافله نافله آن گاه میگردد از **حضرت** امیرالمومنین  
 منقولست که هر که در رکعت نماز برای رخصت  
 میکند پس داخل میکرد و انداخته او را در هشت و  
 از **حضرت** امام حسن عسکری منقولست که علامت  
 مؤمن پنج چیز است در پنجاه و یک رکعت نماز و نماز  
 از ربعین و آنکس در دست راست داشتن و چپ  
 پیشانی بر خاک گذاشتن و بسم الله در نماز  
 بلند گفتن و از نمازهای سیزده رکعت نماز شب  
 و دو رکعت نماز صبح است که گفت آن از صبح تا شب  
 تا غا هر شده سرچین از مشرق و از غایت تا کند  
 در سفر هم محافظ نمیکرد و چهار رکعت بعد از

نماز حضرت

نماز مغرب خواه در حضرت خواه در سفر و هشت رکعت  
 نماز نافله ظهر که پیش از ظهر باید کرد و هشت رکعت  
 هم از عصر که قبل از عصر باید کرد و این دو رکعت در  
 زوال باید کرد و چهار رکعت نافله مغرب که بعد از  
 نماز مغرب باید کرد و دو رکعت نافله خفتن که بعد  
 از نماز خفتن باید کرد نشسته که یک رکعت حساب  
 میشود و از نماز و نیزه میماند و اما نافله شب  
 از حضرت صادر منقولست که خانه که در آن نماز  
 شب گذارده میشود یا تلاوت قرآن کرده باشد  
 میدرخشد و روشن میشود و اهل آنجا از آنجا  
 روشن میشود و سوارها اهل زمین را پس ای  
 برادر عزیز بدان که در حدیث وارد شده است  
 که نماز شب زطر بغیر سبغین است و شیوع سالها است



و دفع کننده در درهاست و عاصموش کند و آتش  
عصبانیت و باعث خوشنودی پروردگار است  
و افزون کننده رزق است و بر طرف کننده فقر  
و پریشانیست و نیکو کننده خلق است و کشنده  
نفس اما و است و مردنشاننده مغمومهاست و  
باعث استجاب دعاهاست و مقولست که حضرت  
رسول ص و صیت عمود بایادن کرامی بادن برقی باد  
بنیان که نحو کننده کما هاست **و سید** معشر از حضرت  
امیرالمومنین مقولست که هر که ده یک شب را زنده  
دارد در زمان و عرض او رضای الهی باشد بنویسد  
خاتم از برای او حسانت بعد از انبیا است در زمان  
روئیده باشد از دانه و بزرگ و درخت هری و درخت  
خوما و هر که نکر دارد نیک شب در زمان عطا کند

خدا

خدا او را ده دعای مستجاب و در قیامت نام <sup>اش</sup>  
بدست راستش دهد و هر که نگاه دارد در نماز هشت  
یک شب را عطا کند او را خدا اجر شهید صاحب  
نیش صادق باشد و داده شود اذن شفاش  
در اهل بیتش و هر که نماز کند اود هفت یک شب  
چون بیرون آید از قبرش روی او چون ماه شیب چاره  
باشد تا آنکه بکند و در آن پل صراط بایستین پیغمبر  
که از عذاب ایستند و هر که نماز کند اود شش یک  
شب را نیکو شود از جمله اولین پیغمبر کسی که  
از باطل محو و از عصیان بطاعت باز گشت کرده  
باشد و کما هاش امر زنده و هر که نماز کند اود پنج  
یک شب را فرین و هفتین کرد یا ابراهیم خلیل  
در هشت و داخل بهشت شود همچو او و هر که نماز کند



سریک شب را هیچ فرشته نماند مگر آنکه از آن گذشت  
مثلث مشرب او را نسبت بخوابی داشتند  
و گویند او اگر داخل ستوان هر دری که خواهد درخست  
از درهای هشت گانه و هر که از گذارد نصف شب را  
اگر پرسود زمین از هفتاد هزار بار طلا گواهی  
نمیکند با جزای او این عبادت هزار است از هفتاد و نه  
از آن که در آن روز نماند اسمعیل و هر که از گذارد  
دو ثلث شب را از برای آن حسانت بعد در یک بیابان  
عالم که موجود نیست که هیچ آن یکست که کثرین  
نوابین بود مثل که احد باشد ده بار هر که از گذارد  
شبه تمام بیرون آید از کاهها مانند روزی که از  
مادر مؤکد شده باشد و فرشته شود از برای او  
انچه از پیشه باشد خوشتر از حسانت و مثل آن در جاست

و هر که از گذارد

نوشته شود

و ثابت

و ثابت و باید کرد روز در فرشت و بر کند شود  
حد از دلش و پناه داده شود از عذاب فرشته عطا  
کرده شود برای آن آتش و ضعیف کرد در مثل آتین  
بسی چون از فرشته بیرون آید از هر خوف آمین باشد  
بسی خوشتر از شکرانش که یکبار از فرشتگان من  
نظر کنید بسوی بنده من که زنده داشت پیشه را  
از برای رضای من پس گواه باشید که از احبابی و از  
در فرزد و او است صد هزار شهر که در هر  
شهری انچه بقدرت او خواهد که مهیاست و از خوشتر  
ای عبد الله منقولست که همچنان که زنده و فعال نیست  
دیناست نماز شب و نیت آخرت و از **حرف** صادق  
منقولست که نماز شب باعث آمرزش گناهها میشود  
و دور سفید و غریبی میگرداند و روزی از یاد میکند

بر شما باد نماز شب و خوشحال کسی که نماز شب کند  
و از اهل بیت مرویست که هر که نصف نیت و خوشتر  
کامل باشد بر نیت صادق و بدن خاشع  
و چشم گریان نماز کند و در نصف نیت ملائکه در  
عقیق و نماز کند که یکطرف هر صیغه در خوشتر  
و طرف دیگر در مغرب باشد و **حرف** ایشا و  
همچنین نماند بغیر از خدا و چون از نماز فارغ شود  
بعد از آن ملائکه در جاست برای او بلند کنند  
و هر که بعد از نماز شام بنشیند و غنیمت بخیزد  
و با کسی سخن نکند تا آنکه در رکعت نازل آید  
مجا آورد آن نازل را از برای او در غلیظت ثبت  
نماید و اگر چهار رکعت نماز نازل بیکد از درج میرسد  
بر آن و بتولید و اگر خوشتر شود و صفای از آنجا آورد

حضرت امیر المؤمنین و یار و فرزندان او از **حرف**  
صادق منقولست که هرگاه نماز شب شب خوشتر شود  
و بیدار نشود تا صبح در آن روز باید ضایع او و هرگاه  
ناست باشد و هرگاه باشد و شبیا گناه یا سفره  
خواهد بود بود باید نماز را در آن گذارد و در حال  
که خوف از آن باشد و در **حرف** صبح منقولست  
که یکبار از صد و نین فرمودند که هر بنده از بندگان  
آنکه در هر شب دو مرتبه ملائکه بیدار میکنند و گویند  
که بخیرت بیا و شب اگر بخواند نماز و اگر بخواند  
شیطان نمی آید و در رکعت اول میکند و از **حرف** امام  
محمد باقر منقولست که هر بنده که وضو کند که ساعت  
از شب بخیزد و بعبادت الله خوشتر شود و ملک را میفرستد  
که در آن ساعت که نیت کرده او را بیدار کنند پس از آن



و می من را خوشیو میگرداند و خوش رو و خوش خلق  
میکنند و قرض را ادا میکنند و عیال را میگرداند و حقیقت  
جلا میدهند و مقولست که شخصی بخداست حضرت صادق  
شکایت احتیاج خود نمود و شکایت را از حدتهای  
بیرون برد تا آنکه نزدیک که بگوید که الحال که سنه آخر  
فرمودند که آیا نماز شب ممکنه گفت بل پس حضرت روایت  
خود کرد و فرمود که دروغ میگوید زیرا که خوش نماز  
شب را وقت روز که آمده است و از حضرت **ص** امیر  
مقولست که نماز شب باعث بدین وسیع خوشنودی  
برورد کار میشود و از حضرت رسول ص مقولست که  
هر که نماز شب گذارد تا بمیرد هفت بار واجب میشود و  
در **ص** دیگر فرمود که هر که در رکعت نماز در میان  
شب بکشد توبه من محبوب تر است از دنیا و آنچه در آن

مقولست

و مقولست که بیک شخصی از عارفان را در خواب دیدند  
که خوش باطنی کرد عیال و عیال و قائده ندارد  
مگر نماز شب و از حضرت صادق **ص** مقولست که گاه است  
که بنده به نماز شب برمی خیزد و خواب بر او غلبه میکند  
و بیک صبر کند از دست راست و چپ و فتنش بپوشد  
میچسبد پس در آن حال خوش میفرماید که در حال نماز  
بکشاید پس شکایت از امر میفرماید که نظر کنید  
بر این بنده من که چه چرخ میگذرد در غریب حبش  
من بر چیزی که بر او واجب نکرد اینده ام بامید آنکه کلمات  
سیا من را تو برایش را قبول کنی یا روزی که زیاد کردی  
پس ایفرستان من گواه باشید که هر سر را با و عطا  
کردم و از فضیل مقولست که حضرت رسول ص بعد  
از نصف شب نماز شب ادا میفرمودند و همچنین حضرت

خدا را خوش آید و مباحا کند آن و گوید اعیال و کس  
بر بپسند بنده مرا که نمازی که بر آن قرض نکرده ام  
از اینجا می آید پس گواه باشید که کلمات حق را امر کرد  
و نماز شب را در حال ضرورت و کمبود و بیایه  
و اشاره رکوع و سجود میتواند گذارد و مردیست که  
شش بار در روز احتیاج میتوان کرد و از این قبیل اجتناب  
و احادیث در این مطلب بسیار است ولیکن در خانه  
اگر کسی است که خوف بپوشیده است اهل خوش و خود را  
همین چند چیز کافیست و عدیلان مرص کاهلی را  
همین قدر شایسته است پس هر که خدا این نعمت را در  
کرد اند و خواهد که بآن قیام نمایند و چون خواهد که  
در تقصیر ادا و بطریق آن در آید رجوع در سال  
سراج الدلیل این حقیر بیصناعه نماید که در آداب و احتیاج

نماز شب

نماز شب ایراد شده است و فرموده الهی این حقیر را  
بطلب محقق یاد نماید **باب ششم** در بیان  
فضیلت نماز غفیل و نماز حقیقی و نماز حضرت  
رسول ص و صبیحه حضرت است و جمیع این حضرت  
مقولست که هر که یک نماز شب بخوابد و بگوید خوش  
برای از آنش جهنم از برای او و هر که نماز حضرت امیر  
المؤمنین ع بخوابد از آن کناهان بیرون آید مانند  
روزی که از مادر مؤلف شده باشد و حاجتنامه  
آورده شود و از حضرت رسول ص مقولست که نماز حقیقی  
لیا و رجا آورد کناه او گم نموده شود اگر بعد از  
پایان او گفت در بایها باشد و هر که نماز خود را  
بخوابد و اگر نتواند در هفت روز یا در ماه یا در سال  
یا در هر عمر خود یکبار رجا آورد و آب وادعیه



هر يك از اين نمازها با نماز وصيت و نماز حاجت و  
نماز هدیه بر حضرت سيد كاينات و نماز هدیه اموا  
مؤمنين و نماز ائمه بياد و نماز موقوفه و نماز  
حفظ مال و دين و نمازهای روز جمعه و نماز طلب  
فرزند و نمازهای ماه مبارك رجب و شعبان و رمضان  
و عیدین و نماز عید قربان و عید فطر و روزنه آن  
و نماز بیست و چهار مرتبه الحجه و نماز سلمان و نمازها  
مذکور در کتاب زینت الاعمال مذکور است پس  
هر چه از اینها گذشت آن کتاب مذکور رجوع نماید و چون  
پیان هر يك از این نمازها در این رساله باعث فطول  
میشود و این رساله کثیر القاعده آداب و طریقه از آن  
نداشت و بعضی از اینها میگوید پس بنا بر این طریقه  
و آداب هر يك از این نمازها خواهد نمودیم **و این هفت**

عمل

کتابهای دیگر  
در این باب

در بیان

در بیان تفصیلات نماز است که مجمل از آن مرقوم سلك  
تشریح میگرد و هر که را خوشش آید این تفصیلات وارده  
دهد در مصالح و مفاتیح الفلاح رجوع نماید اما آن  
مجل ایست که از حضرت صادق ص و منقولست که شیخ  
حضرت فاطمه زهرا بعد از هر نماز بحسب بزرگ است  
تود من از هزار رکعت نماز در هر روزی و از حضرت  
امام محمد باقر ص منقولست که هر که بعد از نماز سر نه بگوید  
**استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال**  
**والاكرام** پيامرند خوش کنایه آن او را که  
حیر ماستد کف در یاها باشد و هر که بعد از هر نماز  
سرد فخر ششبار اربع را بخواند خوشش دفع کند از او  
فرو آمدن خانه بر سر او و سوختن و عرق شدن  
و در چاه افتادن و طعمه جانوران درنده کشتن

و مردن بجنایهای بد و پلید که از خود برینده نازد  
میشود و بر یک این کلمات شریفه بلاهای مذکور  
از وی من دفع میگرداند و هر که چون از نماز  
منصرف گردید لعن کند برینه امیر و از حضرت بیاد  
منقولست که هر که خوشحال کسی که چون نام اعمال  
او کسوده شود در زیر کلاه استغفاری نوشته  
باشد و از حضرت صادق ص منقولست که بعد از نماز  
صبح بگوید **استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي**  
**القيوم و انوب اليه** خوشش هفتصد گناه کبیره او را  
پيامرند و او را فرج و کسادگی دهد و رفیق او را  
زیاد گرداند و هر که استغفار بسیار کند چو نماز  
اعمال او را با سالن بریند مانند ستاره درخشان  
باشد و گناه او بریزد و چو برك از مرختان

و دهشت

نماز

و از حضرت امام موسی ص منقولست که هر که ششبار از قبر  
حسین ابن علی عودا شتر باشد و سید و دانه باشد  
و هر وقت که بد که آتی بگرداند بعد از نماز که  
بگوید چنانکه داب عوام است بعد از هر نماز  
خوشش ده خست در نامه اعمال او بنویسد و از حضرت  
صادق ص منقولست که هر که از خاک آنحضرت يك شمع  
کند خوشش بعد از هر نماز ششبار صد خست  
در نامه عملش بنویسد و چهار صد گناه از او محو  
کند و چهار صد حاجت او را بر آورد و چهار صد  
درجه از جای او بلند گرداند و رویت که هر که استغفار  
که با شمع خاک امام حسین ع کشته شود هفتاد مرتبه  
مضاعف شود و هر که بآن ثواب مقدس ششبار يك  
اربع گوید هجده مرتبه از خست برایش ثبت شود



و شش هزار سیتر محو شود و شش هزار در جبهه بلند  
گردند و او را شش هزار شفاعت عطا فرمایند و  
از اهل بیت موقوفست که هر که بعد از نماز پیش از آنکه  
که در آن روز وضع خود تغییر دهد سر بر نیز بگوید  
**اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له**  
**الحامد المجدد صابرة لا ادله الا بنو ليد**  
خوش از برای او چهل هزار حسنه و عفو کند از او چهل  
هزار سیتر و چنان باشد که در او ده مرتبه ختم قرآن  
کرده باشد و هر که بعد از نماز حمد و آیت الکرسی  
و آیت شهادت الله و قل اللهم مالك الملك را نابعین  
حساب بخواند خوشتر فرماید بجزیه و جلال خود  
که هر روز پنجاه مرتبه بخواند و نگاهدارد و نظر کند و  
در هر مرتبه هفتاد حاجت او را برآورده که کمتر بر آید

مغفرت

مغفرت کند که هفتاد باشد و در خطبه مذکور شود  
حاجت دهم و پندشمان بر سر شود دهم و از ایشان  
سیله پیش دارد و هیچ چیز باعث هبشت رفتن  
نشود و هر که ایمان بخدا و رسول دارد باید بگوید  
هو الله احد را بعد از هر مرتبه بگوید تا حق تعالی  
خیر دنیا و آخرت را برای او جمع فرماید و گناه او  
و والدین و برادران و خواهران و شوهر و فرزندان  
شود و اگر چه بعد ستاره های آسمان و قطرات  
باران و خاله زمین و ریزش بیابان باشد و هر که  
بعد از نماز بگوید **اللهم اهدني من عندك**  
**والقن علی من فضلك و انشر علی من تحبک**  
**فانزل علی من تظنک** در روز نیاخت هشتاد  
هبت از برای او کسوده شود تا آن هر که خواهد

ع

داخل شود و از **صاف** صادق موقوفست که هر که  
بعد از هر مرتبه بگوید **سبحان ربی الاعلی** و  
از سوختن و عرق شدن و در جزایر ماندن و  
خوردن جانوران در بنده و مردن ناخوش و بلیه  
که در آن روز نازل شود امان باشد و اگر مسافر  
بعد از نماز عصر به مرتبه بخواند نمازش تمام  
شود و هر که بعد از نماز شام و صبح پیش از آنکه  
حرف زند و یا بگوید **ان الله و ملائکته**  
**یصلون علی الصلوة** را با صلوات بخواند خوشتر  
صلوات او را بر آورد هفتاد و در دنیا و سر در  
آخرت و اگر حرف نهد و نکند و صد مرتبه **لا**  
**شعور ولا قوه الا بالله العظیم** بگوید خوشتر  
صد نفع از بلاها را از او دفع کند که سهل تر است

افا

الها جنون و جیام و برص باشد و اگر شیفته باشد  
از دیوانه استغیا محو گردد و در دیوانه سعد است  
کردد و اگر بعد از این دو نماز صلوات بفرستد  
غیرد تا صاحب الامر را ببیند و اگر بعد از صبح پیش  
از آنکه حرف زند بگوید **ربی یصل علی محمد و آله**  
**بنی** خوشتر و عاود از آتش نگاه دارد و هر که بعد  
از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار بگوید هفتاد  
گناهش در بر آورده آمرزیده شود و اگر او را اینقدر  
گناه نباشد از گناه بدتر آمرزیده شود و اگر  
بدتر هم گناه نداشته باشد از نمازش بر آید  
و خواهرش آمرزیده شود و اگر ایشان را هم نباشد  
خوشتر از آنکه لا قوه الا بالله العظیم شود  
و هر که بعد از نماز عصر **لا اله الا الله** بگوید خوشتر

ع



فصل اول در خلافت برای و بنویسند و هر که بعد از  
نار **سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ**  
**عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**  
خواند بر پیشترین کیلها او را ثواب دهد و بعد  
هر مسلم را و رخصت دهد و هر که سجده شکر بجا  
آورد چنانکه هر دو ساعد و سینه و شکم و معده  
زمین شود و صد مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** بگوید ثواب  
آن بر زبان و قلم نیاید و از اهل بیت هر چه است که  
شیطان هر روز آن طلوع صبح افتاب از غروب  
افتاب تا بر طرف شدن سرخی استماع خود را  
در زمین منتشر مینماید و برای کراه کردن مردمان  
در این دنیا وقت ذکر خدا بیجا کند و خود و دیگران  
خود را بخند آید دهد از کید او و در **مرویت** دیگر

مرویت

مرویت که هر که پیش از طلوع و غروب افتاب صد مرتبه  
**اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید چنانست که صد بنده از او کرده  
باشد و از حضرت امیر المؤمنین **ع** منقولست  
که طلب روزی نماید در ماهین طلوع صبح افتاب  
که نایش آن در روزی زیاده از سفرها و تجارتها  
کردنت و از حضرت رسول **ص** منقولست که حق تعالی  
میفرماید که ای فرزندان آدم مرا یاد کن بعد از نماز  
صبح یک ساعت و بعد از عصر یک ساعت تا من  
مهمات را کفایت کنم و حاجت را برآورده و در **مرویت**  
دیگر فرمود که هر که بعد از نماز صبح در جای نماز خود  
بنشیند و با خدا مشغول باشد تا افتاب  
برای یک حق فرود آید از آتش جهنم مسنود گردد و در  
ثواب حج بیست ساله را بدو کرامت فرماید

روز نیست و پنج مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَنِيَّةً**  
**وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ قَالِ الْمَلِكُ** حق تعالی بعد از  
مؤمنی که گذشت است و خواهد آمد تا روز قیامت  
حسنه در نامه اعمال او بنویسد و گناه از او محو گردد  
و در حبه از برای بلند گرداند و **سید** معتز از حضرت  
صادق **ع** منقولست که چون بنده نماز میکند و در  
سجده شکر بجای آورد و خوشحالیان بنده و  
ملائکه بر میدارد و میفرماید که ای ملائکه نظر کنید  
بر بنده که قرقر را از او کرده است و بعد از آن شکر  
نمخت مرا بجای آورد ای ملائکه چه ثوابی و از زمین  
هست ملائکه گویند پروردگار از جهت خود را نشان  
حال او کرد و از باز میفرماید دیگر چه چیز را  
کنم میگویند پروردگار از جهت خود را با و عطا

پیامزد و از حضرت امیر المؤمنین **ع** منقولست که  
معتز خواند بعد از نماز صبح و عصر و صبح زیاده  
روز نیست و **سید** معتز از حضرت امام محمد باقر **ع**  
منقولست که هر که پیش از نماز افتاب و پیش  
از غروب افتاب صد مرتبه بگوید **اللَّهُ أَكْبَرُ**  
حق تعالی ثواب صد بنده از او کرده در نامه اعمالش  
بنویسد و از حضرت رسول **ص** منقولست که هر که  
هر صبح و شام تسبیح اربع بخواند حق تعالی بخند  
هر تسبیح ده مرتبه در بهشت با و کرامت فرماید  
از انواع میوهها و در **مرویت** دیگر فرمود که هر که  
بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ**  
حق تعالی او را پادشاه و اگر چه هفتاد هزار گناه کرده باشد  
و تسبیح معتز از حضرت صادق **ع** منقولست که هر که هر

روز



باز میفرماید که دیگر چه چیز باو عطا کنم میگوید  
که حاجت او را روا کن و همچنین حرفش سؤا  
میکنند ملائکه جواب میگویند نا آنکه هیچ چیز  
نیماند که علمه ملائکه باو حاضر نکند مگر آنکه  
او را میگویند و چون بعد از آنها سؤا میکند  
ملائکه میگویند پروردگار ادا یکر به چیزی  
علم ندانیم که کو شیم نا آن عطا فرمائی با و پس  
حرف میفرماید که من شکر میکنم او را چنانکه  
او شکر کرد مرا و دلوی و فضل و احسان خود را  
نسجی و میدارم و او را در مراتب معرفت خود  
کامل میکردم و **و پس** معتبرا از احادیث منقولست  
که حرف حضرت موسی خطاب فرمود که ای پرورد  
میدانی که چرا من از میان بندگان خود برگزیده

و کرم

و کلمه خود کرد اینده گفت نه ای پروردگار من  
خطاب رسید که من چون تغزل کردم نفس ترا نزد بنگ  
از هر کس دلیل ترا و خاشع ترا فتم که هرگاه از نماز  
فارغ میشدی دو طرف روی خود را نزد من بر  
خاک میکشاشته پس حضرت <sup>ص</sup> موسی سجده در آمد  
و بگوهای روی خود از روی تذلل بر خاک مالید  
پس خنثه با و وحی نمود که سر بردار ای موسی و دست  
خود را بر موضع سجده مال که باعث ایمنی تو میگردد از  
هر بلائی و دردی و آفتی پس بدان که سجده شکر  
آنست که سر بسجده گذاری و سر بر زمین بگذاری بشکر  
الله چنانچه از حضرت امام رضا <sup>ع</sup> مقلوث که چون  
سجده خواهد که سجده شکر بجا آورد و سینه خود را  
بر زمین بجهاند و سر بر زمین بگذارد <sup>و</sup> شکر الله و حمد

واذکار و تعقیبات شبانه روزی **در حدیث الایمان**  
 مرقوم است و همچنین در کتابهای بسیار وارد شده است  
 ولیکن بنا بر اصح اسم این **کتاب** مذکور شد و  
 نظریعیت **نحو** در این اوراق **سمت** ذکر پیرویست  
 و این محل بسبب خضار و لفظ و ثواب و برکت بخد  
 مذکور گردید پس اگر کسی اذکار و اودا و اجتهاد  
 مدتی نشود نلایق و شفران نماید تا از فیض تعقیبات  
 محروم نگردد و الله الوفی **باب پنجم** در بیان فضیلت  
 بعضی از ذکرهاست چنانچه از حضرت رسول **صلی الله علیه و آله**  
 که فرشتگان مرود میکنند در مجالس ذکر پس می  
 آیدند بر بالای سر ایشان و میگویند بگو بر  
 ایشان و آمین میگویند بر دعای ایشان و چون  
 با آسمان صعود میکنند خوش میفرماید که ایلا **الله**

دیگر نه بود که صلوات بر غفران بگوید و صلوات بر شکر  
بگوید و حاجات خود را و برادران مؤمن خود را  
از حق تعالی نماید و در شرع و داری و مناجات  
تقصیر ننماید و بسیار طول بدهد چنانچه در احادیث  
معتبره وارد شده است که سینه کج حالت قرب از خدا  
زیاد نیست در حالتی که در سجده گریان باشد و اگر  
ما اینقدر سجده را طول میدادند که مرغ در پشت  
ایشان آشیان میکند است و دعاها را سجده تقصیر  
نماز و ادعیه روز و شب آنقدر هست که در سجده آن  
بسیار احصاء نمیتوان کرد پس اگر کسی را سینه کج  
حدار خواهد از ست آنقدر هست که از صد  
هزار بیک آن برمی خوان آمد و ادعیه و اولاد

۱۵۶



من در کجا بودید میگویند در تپا تو را نری که کجا بودی  
حاضر شدیم در مجلسی از مجالس ذکر پس اهل انجمن را  
دیدیم که تقدیس و تسبیح تو میگویند و طلب مغفرت  
از تو میکنند و از آتش تو میترسند و شتاب  
تو امید داشتند پس حرف میفرمایید که کوه میگردان  
ایکوه ملائکه بدو سینه که از دیده ایشان را و این که دارند  
ایشان از آتش خود واجب سایتم بر ایشان هست  
خود را پس فرشتگان گویند و بنا یک از ایشان ذکر را  
مجاپنا ورد پس حرف گوید که او را نیز آفریده بهر کشت  
هم نشسته او با اهل ذکر من و در **حسب** دیگر فرمود  
که هرگز این اعداها تسبیح اربع است که هر که گوید هر کس  
از این چهار کلمه در حق در هشت از انواع میوهها  
برای او عرس نمایند و هر که صد مرتبه **الله اکبر** بگوید

صلوات

افضل از مردمان محبت عمل و از آن که درون صندبه  
و افضل از دادن صد شتر فانی و هر که حد کند  
خدا را صد بار افضل از صد سبب ازین و لحاظ کباب  
که بجهد کند کان دهد که جهاد کنند و هر که صد مرتبه  
**لا اله الا الله** بگوید افضل از مردمان محبت عمل  
مگر کسی که زیاده از آن گفته باشد و در **حسب** دیگر فرمود  
که در شب مصرع داخل هشت کردیده زمینیان و هر  
دیده از مشک و در آن فرشتگان بنا میگردند خفته  
از طلا و خفته از نقره و گاه دست از کار بر میدارند  
گفتم چیست شما را که گاه کار میکنید و گاه دست باز  
میدارید گفتند انتظار میکشیم تا خجی و ما محتاج  
او حاضر کرد گفت چیست خجی آن گفتند شیخانه  
اربع بهر چون صاحبین بنا این کلمات را گوید ما

جهاد کنند و ما اندازیم حضرت فرمود که هر که صد مرتبه  
**سبحان الله** بگوید هفتاد از صد بنده از آن که درون  
و هر که صد مرتبه بگوید **الحمد لله** هفتاد از صد بنده  
با خود همراه بودن حج که مهاراها را بکشد از بر او  
کنند کان و هر که صد مرتبه **لا اله الا الله** بگوید هفتاد  
از صد سبب لحاظ کرده که هر که سوار کند و در آن جهاد  
جهاد فرسند و هر که صد مرتبه بگوید **الله اکبر**  
کسی در آن روز عملش را او پیشتر باشد بهر چون این  
باغیان آتشان نیز این اعمال عباد آورده باز حضرت  
بخندمت انحضرت آمدند و عرض کردند که اغنیایین  
این عمل میکنند حضرت فرمود که این نیز افضل خداست  
و هر که میخواهد عطا میفرماید و **بسم الله** معنی آنست  
ایمان و تمام موقوفات که حق بر خود واجب کرده است

بنا میکنیم و چون ساکت میشود ما هم دست باز میداریم  
و در **حسب** دیگر فرمود که چون کسی **سبحان الله**  
گوید تسبیح کند با الوانچه در زیر عرش است پس  
عطا کرده شود گوینده بر او از ثواب این کلمه که هر  
کس را باشد و چون **الحمد لله** گوید در حق در هشت  
از برای او عرس نمایند **قال الله اکبر** گویند در حق دیگر  
از برای او عرس نمایند پس از غزایش عرض کرد که فدای  
تو شوم پس با او هشت در حق بسیار داریم فرمود که  
بله و لیکن بهر چیز بدی از اینکه آتش بفرستند که آن  
در خنایا میوزند و **بسم الله** حضرت از حضرت امیر المؤمنین  
موقوفات که حضرت رسول امده اند و  
گفتند یا رسول الله اغنیای مالی هست که بآن بنده  
از آن کنند و حج کنند و ضعیف نمایند و در راه خدا

جهاد







میشود و شیاطین از خانه دودی میجویند و آنخانه  
دوشنبه میدهد اهل آسمان لچاچه سنارها را  
میدهد اهل زمین را و خانه گرد آن قرآن خوانده  
نشود و یاد خدا در آنخانه نکند بیک آنخانه که است  
و ملائکه آنخانه دودی میجویند و شیاطین  
تردین میشوند پس هر کس از آن ذکر کند او را  
بدرستیکه خیرهای و آخرت با و گرامت فرموده که خدا  
بسیار یاد کند خدا را بسیار آورد و هر که در خدا  
بسیار کند خواجه دولت بر آن بر آید و بنویسد بیک  
بسیار از آنش جیم و یک سیلاری از فغان و هر که **لا**  
**اله الا الله** بگوید از روی اخلاص داخل بهشت  
میشود و در **حقیقت** دیگر فرمود که هر که در غایت خجسته  
**لا اله الا الله** بگوید خواجه از آنکه مرغی خلق خدا

که ناردن

که ناردن و قیامت بر بالای سر کوبیده اشک باله  
و ذکر خدا کند و تواتر از او باشد **بسمه** معین  
از حضرت رسول منقولست که هر که در تکلیفین کیند  
مردهای خود را بکشتن **لا اله الا الله** بگوید و بگوید  
آخر کلامش **لا اله الا الله** باشد داخل بهشت  
میشود پس خوشحال کند که بکشتن **لا اله الا الله**  
مداومت نماید و **بسمه** معین از حضرت صادق  
منقولست که هر که صدمه ببرد بگوید **لا اله الا الله**  
**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** خواجه او را پناه دهد از فقر و غش  
فرا و او را با نسیب دل گرداند و سبب فقری او گردد  
و هر که روزی صدمه ببرد بگوید رو کند بنوا نوری و پشت  
کند بدو و پشت از **صمد** امام محمد باقر منقولست  
که هر که بگوید **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ**

و خواجه خانه در بهشت از بر او و بنا کند **صمد**  
و رسول منقولست که هر که **لا اله الا الله** بگوید  
هلیل کند هر چه در پشت سروست و هر چه در  
پیش روی او باشد تا آنکه برسد باشتهای کوه  
خالک و تواتر از او باشد و هر که بگوید  
بگوید **لا اله الا الله** و **الله أكبر** بگوید از پشت  
سرو تا انتهای کوه خالک و از پیش روی او تا انتهای  
کوه خالک و هر چه در آن باشد هر چه بر آن حال  
بشامیت آن شخص همان کلمه را بگوید و تواتر از او  
از او باشد و آن **حضرت** سید الساجدین منقولست  
که هر که در اول شب صد مرتبه **لا اله الا الله** بگوید  
حیانت کرد صدمه از آن گرفته باشد و در دنیا  
او را حساب بکند **حضرت** رسول منقولست که هر که

**لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله**  
خواجه هزار هزار حسن از برای او بنویسد و در **صمد**  
منقولست که هر که هر روز ده مرتبه بگوید **أَشْهَدُ أَنْ لَا**  
**إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَتَمَّ وَأَكْمَلُ الْبَيْتِ**  
**صَدَقَ أَمَّ مُحَمَّدٍ صَاحِبَهُ وَلَا وَلَدَهُ** بنویسد خواجه  
از برای او چهل و پنج هزار حسن و بخواند از نامه  
اعمالش چهل و پنج مرتبه و بلند کند آن را از برای  
او چهل و پنج هزار در جبر و حزمی باشد از برای او  
در بنفوذ از شر شیطان و ظالمان صاحب سلامت  
و در ازود کلاه کبریا او را فراتر گیرد و در حدیث دیگر  
فرمود که هر که هر روز این دعا را بخواند خوش نصیب از برای  
او چهل و پنج هزار در جبر و بلند کند آن را و چنان باشد  
که در روز دوازده مرتبه بختم قرآن کرده باشد

و خواجه



که فاضله بن چیزی که من گفتم و اینها که پیش از آن  
بودند گفتند **لا اله الا الله** بود و **مقولات** که شش  
بر جنب که در وقت و جماعت گفتار غالب آمد و  
لشکر که در آن شکست و پادشاه ایشان از گرفت و  
برد و یک نهاد و سر آن دیک را محکم ساخت و  
آتش نهاد و چون گرمی آتش بوی رسید بنایت  
بنیاد شد شروع کرد و در تمامه بنیان چنانچه خود  
در و ایشان را بسیاری میطلبید و صنعت و فائده  
بنیاد و چون بسیار مضطر شد با خود گفت  
چند آنکه خدا یا ان خود را طلبیدم هیچ منفعتی ندیدم  
الحال خدا را بسیار از بسیاری طلب تا آنکه شاید  
اگر از این محنت و هلاک یا بم بوفیق یافتن فی الحال  
بگردد **لا اله الا الله** مشغول این در حال این بود

وینا

و یا دی برخواست و اندیک را در پیود و در میان  
لشکر که در آورده بر زمین نهاد پس اهل آن  
لشکر بخت نمودند سر آن طرف را کشودند پادشاه  
خود را در میان آن دیدند و بر اینها آوردند  
از حال او پرسیدند پادشاه قصه خود را تا میباید  
کرد پس اهل آن لشکر از دین خود باز گشتند و  
اسلام مشرف شدند و بگفتن **لا اله الا الله**  
مشغول شدند و این بمنزه است در میان که موعود  
یقین شود که گفتن **لا اله الا الله** بر حقیقت  
و دستکاری را آتش دفع است و مؤید این صنعت  
حقیقی که امام ضامن نامن علی ابن ابی طالب  
ایاز ظاهرین خود از حضرت رسول ص روایت کرده  
الحضرت فرمود که چنانچه عزوجل میفرماید که کلمه

62

**لا اله الا الله** حصار و قلعه گفت پس در حال  
حصار من شود از عهد این ایمینت رسول ص  
مقولات که فرمود که تلفیق کنند که در کان خود را  
**لا اله الا الله** هر چند فکر تکلیف بر آنها نکشند  
و تلفیق کنند در کان خود را بگفتن **لا اله الا الله** بگفتن  
که گفتن کلمه طیبه خوب میکند و نحو میگرداند از آن  
اعمال او چنانچه در کاه کبیره را و مقولات که چون  
فرعون در رود بنال عرق شد و حضرت موسی ع  
با او گفت ای مردمان ما بجزیر که تا آن شکوه گفت  
و اینها ائمه خطاب عزت در رسید که یا موسی بگو  
**لا اله الا الله** حضرت موسی عرض کرد که پروردگار  
این کلمه را هر کس میگوید از این چیزی یا  
گفت که با آن شکوه و اینها ائمه خطاب رسید که

یا موسی

بعزت خود که اگر گفت طیبه آسان گفت طیبه  
در این کلمه را بگفتند و این کلمه را در کلمه دیگر  
نه فرموده با این کلمه سکنی نرود و باشد پس این  
باید که مؤمن همیشه بد که اهل حضور با گفتن کلمه  
طیبه **لا اله الا الله** مشغول باشد که در هر وقت  
بیت که منع از گفتن این کلمه کرده باشد **مقولات**  
حضرت موسی ع علی بنیبا همیشه این کلمه را در وقت میگوید  
و آنحضرت بعضی مجلوت رفت برای قضاء حاجت و  
در خاطرش گذشت که خلاص او میخواست بود که  
چنین مکانی این کلمه را مذکور سازد و آن گفتن  
این کلمه نمود پس خطاب عزت در رسید که یا موسی  
چرا مرا فراموش کردی و از گفتن نام من خاموش  
شدی گفت پروردگار مرا فراموش نکرده و لیکن







که هر که ذکر خدا بسیار کند بکفایت **لا اله الا الله**  
 از آتش دوزخ امان گردد و هر که عاقل باشد نه  
 مؤمن باشد و نه کافر و هر که خدا را یاد کند و هر که  
 در محاسن خدا را یاد کند خدا او را در مجلس شاد  
 یاد کند و خانه کرد و آن ذکر خدا بسیار کند  
 بسیار یاد و ملائکه نزدیک شیا طین دور شوند  
 و خانه از برای اهل آسمان نوای باشد و چون  
 ثواب ذکر شود شیاطین ایشان را گمراهند و  
 فسادت آورد و هر که خدا را در دل یاد کند ثواب  
 از غیر خدا که نداند و هر که میان عاقلان دنیا  
 ذکر خدا کند خونی هزار حسن برایش ثبت نماید  
 و با نرید و چنانست که هر چه یاد کند هر چه بخشد باشد  
 او بخیر کرده باشد و بهشت او را واجب شود هیچ

بلیه

ملیه تر شاد نشود و ملائکه از آسمان نمانند که گناهان  
 بحسب است مبدل گشت و در پناه رحمت خدا باشد و هر که  
 قصد نیت شیر کند و نیکو ثواب از امر یافت باشد  
 پس خوشحال گشت که ذکر خدا کند و خوشحال گشت که ذکر  
 خدا را در حق کند چنانچه از حضرت صادق **ص** منقولست که  
 خونی در حدیث مذکور فرموده است که هر که ذکر کند  
 مرا در هائی میزد که کنم او را در سکار و این را تا  
 در این باب پیش از آنست که بر این اورا بی توانی بچند  
**الله منقولست** شیخ از حضرت صادق **ص** منقولست که هر که  
 بگوید **سبحان الله وبحمده و سبحان العظيم**  
 خونی در هزار حسن برایش ثبت نماید و سه هزار گناه از او  
 محو نماید و سه هزار در جبار بر او مرتفع گرداند  
 و مرغی بر هشت برای او خلق نماید که شیخ **ص** گوید

و ثواب شش هزار آن باشد و بنده معجز از حضرت **ص**  
 منقولست که چون بنده **سبحان الله** میگوید ملائکه را و  
 صلوات میفرستند و **سبحان الله** معنی منقولست که هر که  
 سی مرتبه بگوید **سبحان الله وبحمده و سبحان العظيم**  
 دو کعبه بنوا نکر و پیش کند بدو رویش و بگوید در  
 بهشت **سبحان الله** معنی از حضرت رسول **ص** منقولست که هر که  
 بگوید **سبحان الله وبحمده و سبحان العظيم** از برای او هزار و هزار  
 بنویسد و هزار و سیصد از او بخواند و هزار هزار  
 در جبار برای بلی کند و هر که زیاده بگوید خونی  
 ثوابش زیاده گرداند و هر که استغفار نماید خدا  
 گناهانش را بپا موزد و **ص** صادق **ص** منقولست که هر که  
 هر روز سی مرتبه **سبحان الله** بگوید خونی از او دفع گشته  
 هفتاد نوع از بلاها را که مهمل بن آفتا فقر باشد

و بسند

**و بسند** معنی از حضرت صادق **ص** منقولست که هر که از  
 خونی هزاران حد کردن نیست و هر که بگوید **سبحان الله**  
 جمیع نعمتای خونی را کرده است **ص** از حضرت رسول **ص**  
 منقولست که هر که خونی **سبحان الله** با و کرامت فرمود خدا  
 او را باید عباد آورد و هر که دوزخ او در برسد  
 استغفار کند و هر که از دوزخ یا کار و شادی رود  
 بگوید **لا حول ولا قوة الا بالله** و اما **ص** منقولست  
 استغفار است **سبحان الله** معنی از حضرت **ص**  
 منقولست که خود را خوشبو و مطهر گردانید با استغفار  
 تا نماند گناهان او و بی گناه شود و هر که **ص** دیگر  
 فرمود که هر که استغفار **سبحان الله** زیاده بگوید و از دوزخ  
 دعاها استغفار است **و بسند** معنی از حضرت صادق **ص**  
 منقولست که چون بنده استغفار بپایا کند صحیفه







وهر نظری هفتاد حاجت او را بر آورد هر چند  
بسیار کند **و از حضرت** صادره مقولست که هر کس یک  
مرثیه آینه الکریم را بخواند از او یکصد هزار بلا از  
بلاهای آخرت که سهلترین بلاها فقر و احتیاج باشد  
و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد و هر که بآورد  
حشیم خواند شفا یابد و هر که صد مرتبه آینه الکریم را  
بخواند چنانست که در حدیث حیاء خود عبادت کرده  
باشد **و از حضرت** و سوسله مقولست که هر که آینه  
الکریم را بخواند هر روز بیست و پنج مرتبه بخواند هفت آسمان  
در دیدن شود بهم متصل شود تا حق و کائنات  
او را پیامزد و بعد از آن مرثیه بسوی او فرستند  
تا علمهای بیک او را بنویسند و کتابها را ورا بخوانند  
و هر که بخواند و توانیش با بآورد و بنویسد هدیه نماید خوش

چهل روز

چهل روز در قبر بخواند هر که از مشرق تا مغرب باشد  
داخل سازد و فریادهای ایشان از قبر بگردد و فرمود  
اخبار افراخ و گشاده گرداند و از برای هر مؤمن  
که مرده باشد در حجره **و از حضرت** گرداند و برای خواننده  
آن ثواب شصت بنجر کرامت فرماید و بعد  
هر حرفی از آن مرثیه سیافزیند که از برای او  
لشج کنند تا روز قیامت و چنان باشد که  
شهادت مرده باشد و در **حضرت** دیگر فرمود که  
چون آینه الکریم را فرود آمد هر یک که در مشرق  
و مغرب بود بر دو هزار ثواب و انبلیس بنرسید  
پس هر که در آن وقت بیرون آید از خانه  
بخواند حق تعالی هفتاد هزار مرثیه بر سر او  
از برای او استغفار کنند و دعا کنند و هر که در

و **و از حضرت**  
و مرثیه بخواند پریشانی انا و دود کرد و در **حضرت**  
دیگر فرمود که آینه الکریم بخواه کلمه است و در هر کلمه  
بخواه برکت است **و از حضرت** امام محمد باقر فرمود  
که هر که یکبار آینه الکریم را بخواند حق تعالی هزار مکره  
از مکر و هادینان از او دور گرداند و هزار مکره  
از مکر و هادینان که آخرت کمترین مکر و هادینان  
و از آخرت عذاب قبر باشد و روزی و افراخ گرداند  
و هر که در صبح و شام بخواند از شر درد و حرابی این  
کرد و در امان خدا باشد و از عذاب محفوظ ماند  
و از اسباب و مشغله سوختن این کرد و از عذاب  
پریشانی و ترسیدن این شود و از آفت جنگگاه  
زمین چون مار و عقرب و غیر آن محفوظ ماند و از  
همه آفات و بلیات این باشد و جز این نیست و باو

نمواند

نموانند و ساینده و اگر بتوسید و در مزاج و در کبد  
برکت عظیم در آن بدید آید و اگر در آستانه در گمان  
هذه رواج کرد و نقش بسیار شود و اگر در آستانه  
خانه هذه هر که در آن خانه دفن شود و اگر بسیار  
نذات نماید پیش از موت جان خود را در بهشت  
ببریند و مرثیه از علی بن ابی طالب بخواند  
بشبه در خواب دید که قیامت برپا شد و هول هیبت  
در دلها نشست و خلافت را در صحن سیاست  
باز داشتند و مرا سپا آوردند در موقع عصیان  
و حساب کردند و مرا بهشت بردند و چون بهشت  
در آمده مضمرهای بلی و کوشکهای برین بر من عرض  
کردند که از نیکوئی آن حیران مانده و گفتند که  
بهر مضمرها را بشمار چون شمر در صحنه **و از حضرت** بخواه در

۸۷



بود پس گفتند خاندانش را بشمار شهر صد هفتاد و  
پنج خانه پس را گفتند که این همه ازان گشت و من از  
شادی از خواب بیدار شدم و نزد محمد سیرین دتم  
و خواب خود را نقل کردم گفت که چنان میباشد که آیه  
الکرسی بسیار بخوانی گفتیم بی نواز کجا دانسته گفت  
از اینجا که آیه الکرسی پنجاه کلمه است و صد و هفتاد و  
پنج حرفست من چون شنیدم از علم و مهارت دانستم  
پس مرا گفت ای عبد الله هر که آیه الکرسی بسیار بخواند  
سکرات موت بر او آسان گردد و از حضرت رسول  
مقبولست که آیه الکرسی را از کعبه زیر عرش بر کعبه  
کرده اند و بر هیچ بنی بر چنین کرامتی نکرده اند و بعد  
از حضرت صادق علیه السلام مقبولست که چو بخواند این فرمود  
که **سوره الفاتحه و آیه الکرسی و قل اللهم مالك الملك**

و زمان بیاورند در عرش الهی آویختند و گفتند  
پس در کار ما را بنزد اهل خطاها و گناهان میفرست  
خون من و می نمود یا ایشان که بر روی بنامین بعثت  
و جلالت خود سوگند میخورم که هر که از آل محمد و شیعیان  
ایشان که شمار تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب  
در حث خود را شامل حال ایشان میکند و هر روز  
هفتاد و نقل رحمت یا ایشان میکند و در هر قطری هفتاد  
حاجت ایشان از پروردگار هر چند مصیبت بسیار  
کرده باشد و **احمد** رسول مقبولست که هر که **آیه الکرسی**  
را بخواند و بعد از آن بگوید **و آقا علی ذلک من الشاهد**  
خون من در پیش روی وی کشاید و بعد هر  
حرفی از آن فرشته خطی کند که بر او استغفار کنند  
تا روز قیامت و هفت در روز بخواند و بر سر بندد

و در حدیث دیگر نه بود که هر که در وقت خواب بخواند  
خون من هفتاد هزار فرشته داخل کند که تا روز قیامت  
بر او استغفار کنند و چون روز قیامت شود خون  
من عطا بفرماید که از هر در بهشت که خواهد داخل شود  
و چون این آیه نازل شد سبب شدت بخت که  
در حواله کعبه بود هر روز در آن تلاوت و در این  
باب احادیث بسیار است از احوال که دریم برایت  
الاحمد **باب بیستم** در بیان فضیلت ذکر اهل بیت  
و صلوات و بعضی امور رضا سبب ایشاست چنانچه  
از اهل اطهار مقبولست که هر که در مجلس ذکرها  
کند و صلوات بر پیغمبر و ائمه بخواند و در روز قیامت  
بر ایشان حسرت نباشد و **حدیث** دیگر مقبولست  
که هر که در مجلس ذکر ما کند چنانست که ذکر خدا کرده

و چون دو و من با هم ملاقات کنند و ذکر خدا و ذکر  
فضائل ما کنند گویند روی الییس بگذارد تا آنکه  
روحش از شدت ببالد آید و ملائکه آسمان و زمین  
هر روز را اینست کنند و از **حضرت** امام رضا مقبولست  
که هر که در مجلس بنشیند فضائل و اخبار ما مدد کند  
شود دلش میریزد در روزی که هر دو عالم زده باشد  
و از **حضرت** رسول مقبولست که هر که ذکر فضیلت از  
فضائل علی بن ابیطالب کند و افراز بآن داشته  
گناهان گذشت و آینه اش هرگز نرینده شود و اگر  
چیز مثل گناه جن و انس باشد و هر که فضیلت از فضائل  
ائمه بنویسد تا از آن بایستی باشد برایش ملائکه  
استغفار کنند و هر که فضیلت از فضائل ائمه بخواند  
گناهانی که بکوشش نرینده شود و هر که بنویسد فضیلت



آن نظر و کند کلاهانی که با چشم کرده آمرزیده شود  
و در حدیث دیگر فرمود که نظر بر روی علی ابن  
ابطالب کردن عبادت و ذکر آن عبادت  
و ایمان هیچ بنده مقبول نیست مگر بولایت او  
**و از حضرت امام حسن** منقولست که هر که در دل با محبت  
دارد و یادست و زبان حضرت ما میکند با ما در هر  
عنا باشد و هر که در دل محبت دارد و زبان حضرت  
ما کند بیکدیگر بیشتر باشد و هر که در دل محبت ندارد  
و یادست و زبان حضرت ما نکند در هر هیئت باشد  
و هر که بکسلوالت بر حضرت رسول ص بر سرست خوش  
با هزار صفت امثال آنکه هر یک هزار صلوات بر او فرستند  
بعد از آن هیچ خلوفی نمماند مگر آنکه بر او صلوات فرستد  
بسیار که در این صفت رعیت نکند جاهل و مغرور باشد

در حدیث

خدا و رسول و اهل بیتش از او بزرگتر باشند و هیچ چیز  
در میزان فیما بین سنگین تر از آن صلوات نمیباشد  
و چون اعمال مؤمنان را در میزان گذارند اگر  
حسنات سبک تر و سیئات سنگین تر باشند  
آنحضرت هر که صلوات بر او فرستاده باشد بر حسنات  
گذارد تا بر سیئات زیادتی کند پس بهشت برود  
و در حدیث دیگر فرمود که هر که صلوات بر آنحضرت  
بفرستد کناهانش را محو میکند چنانچه آب آتش را  
خاموش میکند و در حدیث دیگر منقولست که  
هر که قادر بر کفاره کناهان نباشد صلوات بر خود  
و آلش بفرستد که کناهان را میبرد چون بر او  
درخت و صلوات بر ایشان بر او است با اهلش و  
شیخ و تکبیر و در حدیث دیگر منقولست که هر که

آنحضرت در نزدش مذکور شود و درود بفرستد  
راه بهشت بر او خطا باشد و هر که دعا کند دعایش  
محبوب ماند و بالازود تا صلوات فرستد و آن  
حضرت رسول ص منقولست که فرمود در وقت دعا  
کوبه مستقران مگویند که چون هر اسباب را بار  
کنند بعد از هر کوبه که عقب بار بزنند بلکه مراد  
اول و میان و آخر یاد کنند و در حدیث دیگر فرمود  
که هر که صلوات بر من فرستد در روز قیامت من  
تزدیک تر باشم و هر که از حد حاجت طلبد اگر  
مومن آن صلوات بخواند بر او درده میشود و قنای  
آن صلوات را من در آسمان باشد و از حضرت صلوات  
منقولست که هر که صلوات بر آنحضرت و آلش  
فرستد در همام آسمان کشته شود و کناهانش

مثل بر او

مثل بر او از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلوات  
بر او فرستند و خوش فرماید که اگر شما هفتاد صلوات  
بر این بنده من فرستادید من هفتصد صلوات  
بر او فرستم و هر که صلوات فرستد و بر آل او فرستد  
نوی هشت دان شود با وجود آنکه نوی هشت پانصد  
ساله راه میرود و میان او و آسمان هفتاد حجاب بوی  
شود و خوش فرماید که ای ملائکه دعا برای من بکنید بالا  
میآید تا بیک سیغیر من صلوات بفرستد و هر که بگوید  
صلى الله على محمد و آله و اهل بیته برایش هزار حسنه  
نوشته شود و از حضرت رسول ص منقولست که صلوات  
فرستادن در روز قیامت نوری بود بر صراط پیش  
در روز جمع هفتاد بار صلوات بر من فرستد من در  
قیامت شفیع وی باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که



یک صلوات بر من بفرستد خواجه ده صلوات بر او بفرستد  
 و صلوات خدا بر دشمن رحمت است و در **حقیقت** دیگر  
 فرمود که خواجه دو فرشته بر من موقوف کرد اینده پس  
 نزد هر بنده مسلمانی که مذکور شود و صلوات بر من  
 فرستد آن دو فرشته گویند خدا ترا پیامرزد و اگر  
 نزد بنده مسلمانی مذکور شود و صلوات بر من بفرستد  
 آن دو فرشته گویند خدا ترا پیامرزد که نام حضرت  
 رسول باشد و بر او صلوات بفرستد و در **حقیقت**  
 دیگر فرمود که هر که هزار صلوات بر من بفرستد غیر  
 ناچای خود را میرهش بر او بنامم و در **حقیقت** دیگر  
 که هر که صلوات بر من بفرستد از هر تقییم از آن کلمه  
 حق و فرشته سیاه فرزند یک بال از مشرق بود و یک بال  
 دیگر در مغرب و باهای او را در زیر کوه خالک و مراد

برسان

بر شاف و عرش الهی پس خوانم او را تا کند که بر بنده  
 صلوات بفرست چنانکه او بر رسول من فرستاد  
 پس آن فرشته را روز قیامت بر او صلوات فرستد  
 و در **حقیقت** دیگر فرمود که هر که هر روز صد مرتبه  
 بر من صلوات فرستد خواجه صد حاجت او را  
 بر آورد و هفتاد حاجت در دنیا و سیصد حاجت در آخرت  
 و در **حقیقت** دیگر فرمود که خواجه را فرستد  
 که قلمهای رزد در دست دارند یا صحیفهای نفوس و  
 میگردند پس هر که صلوات فرستد از امین و ایستد  
 و **بسم** معین آن حضرت رسول و صوفی است که فرمود  
 دیده مردم بر او در قیامت از آفت که بر صراط افغان و  
 خیزان بود پس صلوات بر من فرستاده بود آمد و حق  
 دوخته او را گرفت تا گذشت انصاف و منفعت

۵۱

که هر که گوید صلوات علی محمد و آل محمد اجر هفتاد شهید  
 با و دهند و پیر و آید از گناه مانند روزی که انعام  
 مژدگانه شده باشد و آن **حقیقت** رسول و صوفی است  
 که هر که با خلاص یک صلوات بر من فرستد خواجه ده  
 صلوات بر او فرستد و ده حسنات بر او ببویسد  
 و ده سینه از او بخوندد و ده در جبران بر او ببلند  
 کرد الله و در **حقیقت** دیگر فرمود که هر که صلوات  
 بر من فرستد مرغ مبارک است که در اصل در بای عظیم  
 بر درخت نشسته خود را در زیر پا افکند و غوطه  
 خورد و پیر و آید و خود را بیفشاند خواجه ده مرتبه  
 که آن بال او چکیده شود بلکه خلق نماید که استغفار  
 کند بر او و هر که صبح و شام صلوات بر من  
 فرستد خواجه او را والدینش را پیامرزد و هر که

وشت

وقت خفتن ده صلوات بر من بفرستد ثواب نان  
 گذارند کافرا داشته باشد و هر حاجت که طلب  
 نماید بر آورده شود و هر که جواب را بر وی بخورد  
 شانه کند و هفت بار صلوات بر من بفرستد  
 چشمش در دنیا بید و هر که یکبار بر من صلوات  
 فرستد ملک موقوف بر آسمان و زمین که دعا نام دارد  
 صد بار بر او صلوات فرستد و ملائکه بر آسمان و زمین  
 که این را بشنوند و دویست بار بر او صلوات فرستد  
 و ملائکه آسمان سیم هزار بار بر او صلوات فرستد  
 و ملائکه آسمان چهارم دو هزار بار و پنجم یک هزار  
 بار و ششم شش هزار بار و هفتم هفت هزار بار و هشتم  
 نگاه خواجه امر نماید که ای ملائکه بمن واکند آید  
 او را که تعظیم رسول من نموده که ثواب او بفرستد

۵۲



و ان حضرت صادق ص <sup>ع</sup> فرمود که هر که صلوٰت بخشد  
حق آن او بفرستد خدا و ملائکه صلوٰت بر او فرستند  
تا هر قدر که او صلوٰت فرستاده باشد و هر که صلوٰت  
بر او نرسد همیشه ملائکه برای او استغفار میکنند  
و هفتاد هزار ملائکه بر او فرستند و در حدیث دیگر  
فرمود که چو نام آن حضرت مذکور شود صلوٰت فرستند  
بر او که هر یک صلوٰت بر او فرستند حوائج بر او هزار  
صلوٰت فرستند در هر روز صفت از ملائکه و هر چه خلف  
نماند بجز آنکه بر او صلوٰت فرستند پس هر که بخشن  
رحمت رحمت نکند جاهل و عاقل است و خدا و رسول  
و اهل بیتش از او بزرگوارند و در حدیث دیگر فرمود  
که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و آن را از آن حضرت حفظ نماید و هر که

بعد

عبادت نماز صبح و ظهر صد مرتبه بگوید **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و آن را از آن حضرت حفظ نماید و هر که صلوٰت  
محمد را ادا نکند نماید و در حدیث دیگر فرمود که صلوٰت  
میان ظهر و عصر بر هر هفتاد رکعت نماز است  
و بر اوست یا هفتاد حج و صلوٰت در میان رکوع  
و سجود نماز مثل تسبیح است و ده حسنه دارد  
و هر چه ملائکه نماند که گشت که از آن خروج  
نشد برساند و در حدیث صحیح از حضرت صادق  
صلوات الله علیه که رسول خدا را روزی بطرف خود نگاه  
داشتند و از آن حضرت فرمود که هر که صلوٰت فرستد بر من و اهل بیت  
من گشوده شده شود برای او در هر روز هفتاد هزار ساله  
بر او صلوٰت فرستند پس اگر نگاه کار باشد برود

بر من فرستد در هر جا که باشد من خواهد رسید و هر که  
خواهد که ملاقات کند با خدا و خدا از او راضی باشد  
پس بسیار صلوٰت فرستد بر من و هر که هر روز یا  
بار صلوٰت بر من فرستد هرگز محتاج نشود و  
کما هاشم از نیکه شود و سرورش داعی باشد  
و دعایش مستجاب و از دوزخ هایش آواره باشد و  
و یاری بر دشمن و اسباب خیر یابد و آن جناب باشد  
که رفیق سفر خدای باشد در بهشت و هر که در صبح ده  
مراتب صلوٰت بر من فرستد خوش گناهان چنانچه اله  
او را محو گرداند و فرمود که روزی جبرئیل علیه السلام  
آمد که خوش صیفا میداد که هر که از امت سر بر سر صلوٰت  
فرستد بر او بیاد قرار و اگر آیشانه باشد بدش  
از تشنگی و اگر تشنه باشد بدش از جوع است

گناه از او مثل بک درخت و خوش فرماید لبیک  
ای بنده من و سعد یک ایملای که شاه هفتاد صلوٰت  
بر او بفرستند و من هفتاد ساله را که بر اهل بیت  
نفرستد هفتاد حجاب میان آن و آسمان جایل شود  
و خوش فرماید لبیک و الا سعد یک ایملای که  
بالا آید و دید دعای او را تا بر پیغمبر من ملحق نماید و فرمود  
و ان حضرت رسول ص فرمود که هر که  
صلوٰت بر من فرستد شفیق او باشم در قیامت و روز  
توبه من در میان در قیامت بر صلوٰت فرستد  
و خداوند جان و ملائکه در زمین است که سیاحت میکند  
و صلوٰت آفت مرا بر من میرسانند پس من مستغفار  
میکم برای ایشان و خدا ملائکه در زمین مقرر کرده  
و نامهای هر یکی را با داده پس تا قیامت هر صلوٰت

بر من



اولی هر که برین صلوات بکشد خیر از او فرماید  
ملکین مستحق قضا که تا سر روز گناه بر او ننویسند  
و در حدیث دیگر فرمود که هر که یک صلوات بر من  
فرستد خیر از او صلوات بر او فرستد و هر که ده صلوات  
بر من فرستد خیر از او صد صلوات بر من فرستد و هر که  
صد صلوات بر من فرستد خیر از او هزار صلوات بر او  
فرستد و هر که هزار صلوات بر من فرستد خیر از او  
تصدیق آتش بکشد و بگوید یا علی و یا ابا عبد الله و یا  
دهد که خیر از او صد روز قیامت حسنات اهل بیت  
بیاید و در راهها صلوات بر محمد و آل محمد باشد  
هر روزه میگردانم و عذای یکتا کس را که صلوات  
بر من بخیر کند نفرستد و دعای عبد از صلوات بفرستد  
شد پس صلوات فرستد بر من و جبرئیل کند و دعا

القدر

و آل محمد در صلوات گفتن باعث دعام سرور و  
عالم نور و قبول اعمال و تکثیر اموال و محو سیئات و اتقاع  
خیرات دنیا و عقیبا و وفاقت رسول خدا در اعلای  
درجات چنان میشود پس در این باب چهار تا  
از حدیث احصا بر رشت و در این مقام همین گفتا  
که هر که تا برادران دینی را از آن اطلاعی حاصل شود  
و چون مجلس از فضائل صلوات بیان شد پس بداند که  
از حضرت صادق علیه السلام نقل است که خواند ای ای که چنانچه  
که میگردید بر زمین هرگاه بگذشتید و یا چنانچه کردید  
محمد و آل محمد کنند یکدیگر میگویند که مطلب خود را  
یا فیم پس میفهمند و یا ایشان شریک میشوند و آن  
امر پس چنانچه بخیزند اگر پارس شوند بسیار ایشان  
میرند و اگر پمیرند بمیان ایشان حاضر میشوند

۴۴

و اگر خواب شوند بخیر و میگردانند پس خیر از او  
غنا و غفلت بیدار کند و نطفه از او جدا اگر اهل بیت  
او که یا کرداند **خدا غفر** در بیان فضیلت شب و روز  
چهار است چنانچه از حضرت رسول علیه السلام نقل است که خواند  
روز چهار پنج المساکین گفتن یعنی چون مشغولان جمعه  
کنند حجی در نامه اعمال ایشان ثبت نمایند و این روز است  
که هر روز شما و طوایف و خویشاوندان که خواند میکنند تا  
تا شام و در این روز دعا مستجاب است خصوصاً اگر  
آخر روز جمعه و هر که غسل کند در این روز پیر و آید  
از کتابها مانند روزی که انعام بر او آید شده باشد  
و هرگاه که کار بر او در حجت از جمعه بسوی مسجد خواند  
علی صالح بیست سال بر او بنویسد و چون از نماز خارج  
شود و بیست سال که در آن بگوید یا علی و یا ابا عبد الله و یا محمد و یا آل محمد

فرمود

فرمود که چون شب جمعه را بعبادت برود خداوند شهرت  
عرش دید که دست هر یک مثل میا بود و مملو از  
فرشتگان بود و هر خدا را تسبیح و تهلل میکردند و میگویند  
خداوند پادشاهان آن که همان مشغولند و پادشاهان  
که غسل جمعه کردند پس هر که در روز نماز کند تا جمعه  
دیگر گناه او را ننویسند و در حدیث دیگر فرمود که خواند  
در روز جمعه شش هزار بند را از آتش دفع از او میکند  
که هر مشغول عذاب باشد و بپایند در هر سال  
سجده هزار بند را از آتش از او بکشد و هر که هر اهل  
عقوبت باشد و هر که در روز جمعه بپوشد از او  
در نامه اعمال او بنویسد و از فقر و غنا و بیرون کرد و در  
دنیا و جمعه سرور و شرف میگردانند و آن و در هر روز  
هزار گناه از او بپایند و در حدیث دیگر فرمود که

۴۵



هر که در بازارد کمر خند کند در دفعه کمر میان غافل  
 باشند و مشغول به بیع و شرا باشند و خوشتر از هر چیزی  
 در نماز و بنویسد و در قیامت او را پادشاه و پادشاه  
 فرماید و روحی که در خواب هر یکس ظهور نکرده باشد  
 مریست از اهل بیت رسالت که خوشتر شب و روز  
 جمیع فضیلت داده است بر سایر روزها و در روز  
 دعاها را مستجاب میگرداند و حاجتهای بندگان را بر  
 می آورد پس سعی کنید در عبادت و استغفار و دعا  
 کنید برای برادران دین و مؤمن و برای ایشان استغفار  
 کنید و حاجتهای خود را بخوانید و از **حقیقت** امام  
 محمد باقر منقولست که هر که سر جمعی در پی نماز جمعه  
 نزل کند خوشتر از پادشاه و از دل او بیرون کند و از **حقیقت**  
 امیر المؤمنین منقولست که روز جمعه در روز قیامت

بر آید

می آید و شفاعت میکند کسانی را که بنماز جمعه حاضر  
 شده اند و از **حقیقت** امام زمان منقولست که حضرت  
 رسول فرمود که روز جمعه بهترین روزهاست خوشتر  
 از شنبه و مضاعف میگرداند و سیئات را محو میکند  
 و در حاجات مؤمنان توفیق میگرداند و دعاها را ایشان را  
 مستجاب میگرداند و الهام را زیاد میگرداند و حاجات  
 عظیم را بر می آورد و اگر کسی در این شب پادشاه بشود  
 مرده باشد و معیشت میشود ایمان از **حقیقت** امام محمد باقر  
 رسول منقولست که شب جمعه روز جمعه بیست و چهار  
 ساعت است و خوشتر از هر ساعتی از آن است پس  
 هر کس را از آتش و دفع از آد میگرداند و این روز  
 سید روزهاست و خوشتر از هر روزی است و این روز  
 و در این روز جمیع فرستاده و در این روز خوشتر شد

۱۱۲

و در این شب عقیقت که هر که در این ساعت چیزی از خط  
 طلب نماید الله عطا کند مگر امر حرام و در این روز  
 فرشتگان و اسماها و زمینها و بلادها و کوهها و رودها  
 همه حاضرند که میباید قیامت شود و از **حقیقت** منقولست  
 منقولست که هر که در هر شب جمعه خوشتر بنویسد از  
 برای و برای بزرگوار از آتش و دفع از آد میگرداند  
 روز جمعه را صانع میکند و در **حدیث** دیگر فرمود  
 که خوشتر از ملک است که در شب جمعه بفرستد باستان  
 اول که حسانت مؤمنان را مضاعف گرداند و سیئات  
 ایشان را محو سازد پس هر چیز و صدق که دارید در این روز  
 بعمل آورید که خوشتر از مضاعف میگرداند پس برای  
 حال کسانی که در شب جمعه و در روزی از ایشان  
 بخوانند زیاده که در شب جمعه فرشتگان از آسمان بیرون  
 می آید

بعده زان که در میان هوا می باشد و در **سنن**  
 ایشان قلما یطلو و مصحفها از نقره و ناز شب  
 شنبه بنویسد چیزی را مگر صلوات بر محمد و آل محمد  
 پس صلوات بسیار فرستد که هر یک بن علما در این  
 روز صلوات **و از حقیقت** امام محمد باقر منقولست  
 که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه بگوید **اللهم صل علی محمد**  
**و آل محمد الاوصیاء المرسلین یا فضل صلواتک**  
**و بارک علیهم یا فضل بر کائنات و السلام علیهم**  
**و علی آله و علیهم و علی آله و علیهم و علیهم**  
**الله و بر کائنات** خوشتر صد هزار حسنه و صد هزار  
 بنویسد و صد هزار گناه از او بخواند و صد هزار  
 حاجت او را بر آورد و صد هزار درجه از برای او  
 بلند گرداند و از **حقیقت** رسول منقولست که هر

۱۱۳



که هر که سوره کاف را در هر شب بخواند کفاره کند  
 هفتاد و باشد و در **حقیقت** دیگر فرمود که هر که روز  
 شنبه روز جمعه داخل مسجد میشود و خوش در قیام  
 او را روز شنبه داخل هشت کرد اندک و سبک روز جمعه  
 در هر ماه است که شنبه میشود از جهت بالا رفتن اعمال  
 بنده بآن و از **حقیقت** امام محمد باقر علیه صفوات که در  
 قیامت ایام را غنیمت در آورده بخیر که هر سلاطین او را  
 نیت است و از روز جمعه روزی لامع باشد و شایر  
 ایام در عقیده و نیت است مانند عروسی که غایت داماد  
 برسد و روز جمعه کواهی دهد برای کساف که بپایان بخیر  
 شده اند و شفاعت کند ایشان را و داخل بهشت شود  
 ایشان را و از **حقیقت** معلوم است که روز جمعه را  
 از هزار حج و ده مرتبه نماز عیدشان برتر و کردن آنقدر

معصیت

معصیت ندارد که یک مرتبه نماز شنبه جمعه را بخواند  
 و از **حقیقت** صادق است که منقول است که فرمود الشیر در روز  
 جمعه غسل کند و نیت کند که نیت خود را بپایان ببرد  
 حاجها و خضاب کند و شانه کند و معطر نماید  
 صورت را بر بهترین بویها و هر بنایی که دارد بپوشد  
 جمعه ابتدا کند مثل جابر بن عبد الله و پوشیدن  
 و در حق نشاندن و عمارت بنا کردن و سایر  
 کارها که در روز جمعه روز میارکیت و در **حقیقت**  
 دیگر فرمود که هر که در شب یا روز جمعه بپوشد خوش  
 عذاب شرب را از او بردارد و هر که در روز پنجشنبه  
 از ضغنه شربین باشد و از اهل بیت منقول است  
 که خوشتر در هر شب جمعه اندک شب تا طلوع صبح از بالای  
 عرش بنام صیفا بگوید که ای بنده مؤمن اگر حاجتی داری

۱۱۱

برای دنیا و آخرت طلبی تا بنا بر آورد و اگر کنایه  
 کرده است شفا و کنایه بر سر و اگر بپای دعا  
 کن تا ترا شفا دهم و اگر محبوس و محبوس باشی دعا کن  
 تا نجات دهم و اگر مظلوم باشی استغاثت خود تا نجات  
 دهم و صیغی است که در روز جمعه خیال و اطفال خط  
 بپیوندد و خفته خوشحال و شادمان که هر که روز جمعه  
 خفیف شود بر خدا لایزال است و اگر در آنجا بپوشد  
 مگر آنکه نوبت کند و هر که در روز جمعه هزار مرتبه بگوید  
 بفرست ملائکه صید شوند تا دل شوند و قوابل را  
 بنویسند و هر که در شب جمعه یا شب عید ده مرتبه  
 بگوید یا ایا هم الفضل علی البریه یا یا سبط الدین  
 یا اعطینیه یا صاحبنا یا ایا هم الفضل علی البریه یا یا سبط الدین  
 یا اعطینیه یا صاحبنا یا ایا هم الفضل علی البریه یا یا سبط الدین

و هده

**فی هذه العتیه** خوشتر هزار هزار حسنه بپایان  
 نماید و هزار هزار سیئه از او بخواهد و هزار هزار  
 در حبس بپایان و بلند کند و روز قیامت با او هم  
 خلیل باشد و در روز جمعه و ساعت است که در  
 در او روز صیحاب یک وقت بقال و دوم آخر روز  
 تا اذان غروب کند و سست است در ساعت آخر  
 خواندن دعا و سنان حبس دفع اعدا و از **حقیقت** صادق است  
 منقول است که فرمود خوشتر همیشه برای بدستگاه مؤمن  
 خود در هر شب جمعه که اینه مشرق فرموده پس چون  
 بعد جمعه میشود خوشتر ملکان بترزد بنده مؤمن  
 خود میفرستد با دو خطه پس چون اتمل بدست  
 الله میرسد بدی را بنان میگوید که ان مؤمن و حضرت  
 بیکر نامن بنزد او در آیم پس در بانان بتود مؤمن

۱۱۲



می آیند و میگویند که فرستاده پروردگار بر ایشان  
در حضرت میطلبند پس مؤمن بنامان خود میگویند که  
ما را خبر بایده کرد ایشان میگویند که ای سید و بزرگ  
ما بحق انخدواندی که هفت روز بنصرف نوزده کرده  
از برای تو هفت روز این نیست که پروردگار تو نیک و  
رسول بخرد تو فرستاده پس حضرت بده که ملک  
در آید و چون حضرت دهد و اتمک آید و در حلقه  
پا و رد مؤمن یکبار بگردانند و یکبار بدوش افکنند  
و با یک خرقه روان شود و هر چه که گذرد از نوزده  
او روشن شود تا نیاید تا روزه که هفت و کرامت و چون  
در انجام و زمان هر جمعه شود خرقه نوزده از انوار جلال  
و معرفت را ایشان بخیر نماید پس ایشان بسجده در آید  
خطاب رسد که ای بنده که سر بر آید که امروز روز سجده

در عبودیت

و عبادت نیست مشقت و کلفت طاعت را از شما برداشته  
پس ایشان گویند که ای پروردگار ما چیزی را از این میساخت  
که با کرامت کرده هفت روز خطاب رسد که بشما عطا کرده  
هفتاد و یک روز اینکون دارید از جمیع نعمها و کرامتها  
پس در هر جمعه از برای مؤمن بر میگرد با هفتاد و یک روز  
داشته است پیش از آن سجده اینست که چون میفرماید  
که نزد ما زیادینهای رحمت و کرامت هست پس بدانکه روز  
جمعه روز مزید است و شبش بسیار سعید و پر نور است  
و روزش بسیار نورانیست پس بسیار خدایان در این  
روز **تسبیح** میگویند **لا اله الا الله** و میگویند که یاد کنید او را بکثرت  
**الله اکبر** و حمد و ثنای الهی کنید بکثرت **الحمد لله** و بسیار  
درود بخواند و آن او بفرستد پس چون بنده مؤمن از دعا  
گاه بر میخیزد و چیزی که میگوید از آن نوزده روز روشن

۴۵

میگوید تا آنکه نوزده روزان خود می آید پس زبانش میگوید  
بحق انخدواندی که هفت روز با ما صیاح کرده اند است ای سید  
ما را خبر کن بحسن امروز ندیده ایم او در جواب گوید از روز  
تجلی جلال پروردگار خود نور و بها و حسن یافتن امر  
بعد از آن حضرت فرمود که زنان هفت روز شک نمیدارند و  
از **حضرت** امام زین العابدین صفت است که خواب را شب جمعه  
خواب جمعه بود فیاض است پس شب جمعه را عبادت  
الهی مشغول شوید و روز از این ستاد صلوات که هر  
عالم در روز جمعه بهتر از صلوات فرستادن نیست زیرا که  
روشنی میدهد آسمان تا روز فیاض و ملائکه آسمانها  
و ملائکه که موکلند بفرمان حضرت استغفار میکنند با  
درود فرستاده و آن **حضرت** صادق صفت است که  
صلوات بخواند و آن او در هر شب جمعه روشن میدهد آسمانها

نارود

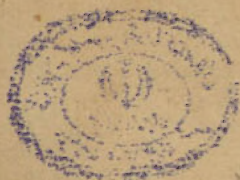
تا روز فیاض و چون روز فیاض شود او را نورانی  
گرداند و هر که روز و شب هفت صد مرتبه صلوات  
بفرستد خواجه هشتاد گناه و بیوفای صد گناه او را ببرد  
و صد حاجت او را بآورد و هر که گناهان او را ببرد  
که مدفون میگوید در قبرش که او را شربت دهد مانند  
کسی که هدیه های بوی کسب یا درود در **حدیث** دیگر فرمود  
که صلوات میان ظهر و عصر بار بار است با هفتاد و یک  
هفتاد و یک نماز و در **حدیث** دیگر فرمود که بعد از  
نماز عصر روز جمعه هفتاد مرتبه بگوید **استغفر الله و**  
**انوب اليه** گناهها گذشت و او آمرزیده شد و حق او را  
در بقیع عمر آن گناه حفظ نماید و اگر گناه نداشت  
از والدینش بپارزد و آن **حضرت** رسول صفت است  
که هر که غسل کند و هر طریقی که از غسل او بچسبند

۴۶

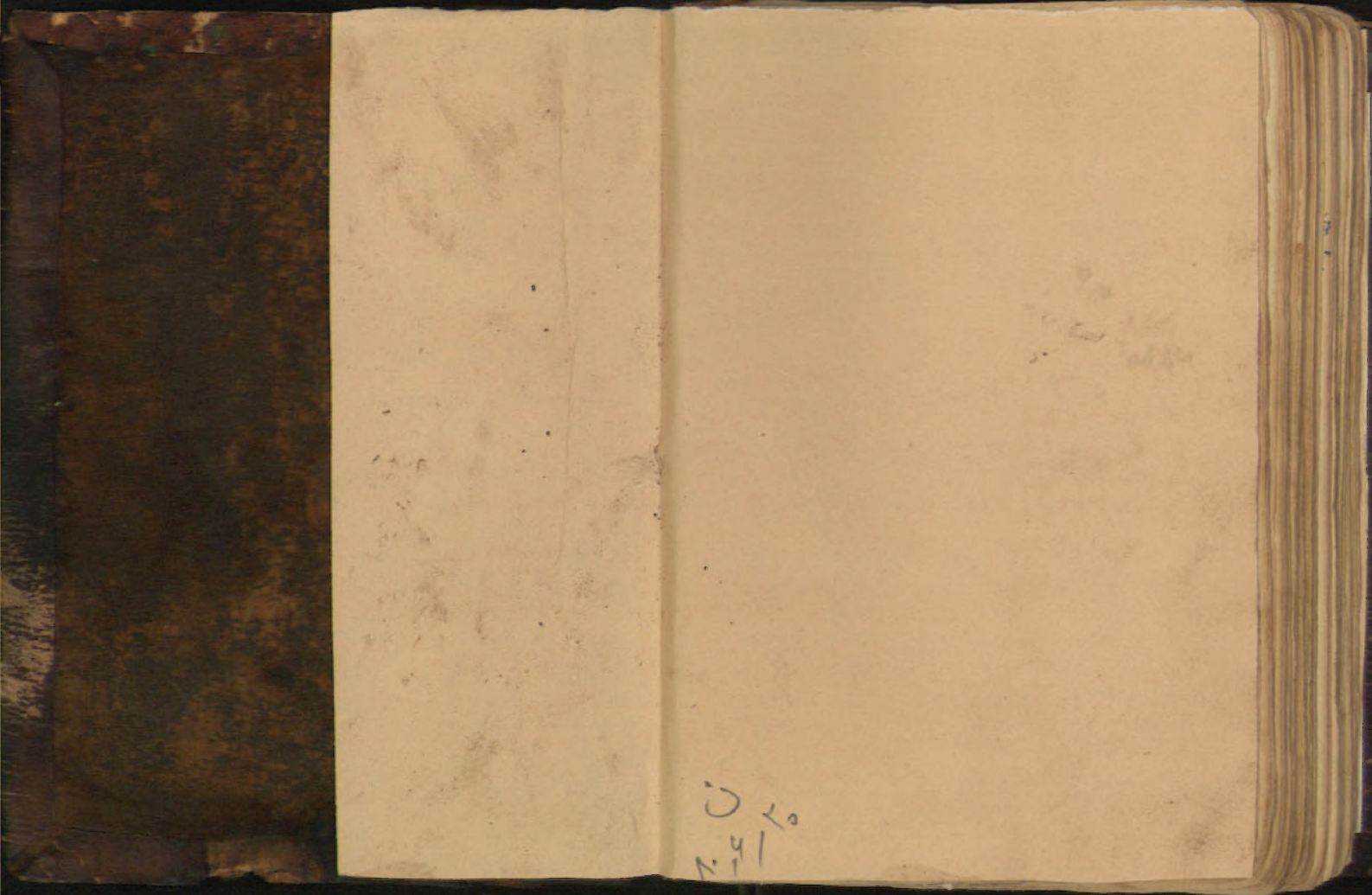


خواستن فرشته خلق کند تا استغفار نماید بر او و تا روز  
قیامت و در حدیث دیگر فرمود که هر قطره حیدر در  
هشت دارد و غیره و از بدتش نوابی دارد و خطا  
با و نرسد تا حیدر دیگر و اگر عمر شهید مرده باشد  
و در حدیث دیگر فرمود که زیارت فرمودن حیدر  
نواب ده حج دارد و از حدیث امام موسی کاظم منقولست  
که روز حیدر هزار نسیم رحمت و هر بنده و آنچه  
خواهد عطا میکند پس هر که بعد از نماز عصر جمعه صد مرتبه  
سوره قدر بخواند همه احوال یا مضاعف با و کرامت  
فرماید و کیفیت صلوات باضائل بسیار در کتاب  
زینت الانوار مسطور است و در این مقام بجز این اکتفا کردیم و الله

الموفق سید











کتابخانه

۵۲۲۲